

# برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و

## نگرشی مرتبط با آن

سید حسین سراج‌زاده، فاطمه جواهری

در این مقاله براساس این فرض که تحولات اقتصادی-اجتماعی معاصر ضرورت‌های کارکردی جدیدی در نظام جنسیتی تقسیم نقش‌های اجتماعی و خانگی ایجاد کرده است و جریان‌های فکری جدید، نظام تقسیم نقش‌های سنتی زن و مرد را به چالش کشیده است، اثر برخی از متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی بر برابری‌گرایی جنسیتی بررسی می‌شود. این کار با تحلیل ثانویه داده‌های طرح پیمائشی نگرش‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم انجام شد. نمونه این طرح شامل ۱۵۲۲ دانشجوی دختر و پسر از ۲۱ دانشگاه سراسر کشور بود. سنجه برابری‌گرایی جنسیتی براساس دو بعد نقش‌های خانگی و نقش‌های اجتماعی ساخته شد. یافته‌ها حاکی از آن است که دانشجویان در حد قابل ملاحظه‌ای به نگرش‌های جدید برابری‌گرا در تقسیم نقش‌های جنسی‌گرایش دارند با وجود این، در برخی از زمینه‌ها هنوز واجد دیدگاه‌های سنتی هستند. زنان بیش از مردان برابری‌گرا بودند. همچنین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، توسعه‌یافتگی محل سکونت، مدارای فکری، و گرایش سیاسی اصلاح‌گرا با برابری‌گرایی جنسیتی رابطه مثبت و دینداری و محافظه‌کاری با آن رابطه منفی داشتند.

**مفاهیم کلیدی:** جنسیت، برابری‌گرایی، دینداری، نقش‌های جنسیتی.

### ۱. مقدمه

موضوع تفاوت‌های زیستی، روانی، و اجتماعی زنان و مردان از جمله مباحثی است که از گذشته دور در همه جوامع مورد توجه بوده است. باورهای عمومی و اجتماعی درباره تفاوت‌های

جنسیتی بازنمای این تفاوت‌ها و نیز مبنای تقسیم کار و تمایز نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان و مردان بوده است (بریک‌ول، ۱۹۹۰: ۲۱۲؛ مونی و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۳۲). تحولات فکری و اجتماعی-اقتصادی بعد از عصر روشنگری و انقلاب علمی و صنعتی، که گسترش دیدگاه‌های برابری‌گرا و تغییر در شیوه‌ها و روابط تولید را به همراه داشته است، تغییراتی در نگرش‌های جنسیتی ایجاد کرده و همچنین تقسیم کار جنسیتی و روابط نقشی دو جنس را دستخوش دگرگونی کرده است. با گسترش جنبش‌های برابری‌طلبانه زنان و ایدئولوژی‌های فمینیستی، موضوع زنان در مطالعات اجتماعی برجسته‌تر شده و بحث تفاوت‌های جنسی و جنسیتی در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات اصلی و در عین حال جدلی در پویش‌های سیاسی اجتماعی و نیز مطالعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تبدیل شده است.

به نظر می‌رسد موضوع اصلی این مطالعات توصیف و تبیین تفاوت‌های جنسی و جنسیتی است که در این میان توصیف و تبیین تفاوت نقش‌های جنسیتی در کانون توجه بوده است. این توجه از آن‌جا ناشی می‌شود که ایدئولوژی‌های برابری‌گرا و فمینیست تقسیم کار سنتی جنسیتی را به نفع مردان تبعیض‌آمیز دانسته و معتقدند که نظام تقسیم کار سنتی مبنی بر اختصاص فعالیت‌های خانگی به زنان و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیرون از خانه به مردان و نیز تفویض امور مدیریتی خانه به مردان، در خدمت تثبیت قدرت و تسلط مردان بر زنان بوده است (رجوع شود به پرینس، ۱۹۹۳: ۱۳۳-۱۳۴). به همین دلیل ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجادکننده و تداوم‌بخش چنین تقسیم کاری مورد انتقاد و حمله جدی آنان قرار گرفته است (هورتون و هانت، ۱۹۸۷: ۱۴۲-۱۴۸). یکی از عوامل تداوم تقسیم کار سنتی جنسیتی بازتولید نگرش‌های جنسیتی تأییدکننده تقسیم کار و نظام نقش‌های جنسیتی است. این بازتولید از طریق فرایند جامعه‌پذیری در خانه و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در محیط‌های آموزشی، شغلی، مذهبی، سیاسی و رسانه‌ای صورت می‌گیرد (بنگرید به مونی و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۳۲-۲۳۶؛ بریک‌ول، ۱۹۹۰: ۲۱۹؛ استنلی و وایز، ۲۰۰۲: ۲۷۳-۲۷۸). بنابراین چگونگی نگرش جامعه و یا گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به تقسیم کار جنسیتی و نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان یکی از موضوعات مهم در مطالعه دگرگونی‌های اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی و مطالعات زنان است. بررسی نگرش‌های جنسیتی روشن می‌سازد که جامعه تا چه حد از نظام ارزشی تأییدکننده مدل سنتی تقسیم کار جنسیتی فاصله گرفته است و این مدل تا چه حد با ارزش‌های گروه‌های مختلف اجتماعی همخوان یا ناهمخوان است.

تأثیرپذیری جامعه ایران از فرایندهای فکری، اقتصادی و اجتماعی مدرن موقعیت و جایگاه

اقتصادی اجتماعی زنان را دستخوش تغییراتی بنیادین کرده است<sup>۱</sup>. این امر موجب شکل‌گیری و تقویت پویش‌های اجتماعی و سیاسی زنان در دهه‌های اخیر در جامعه ایران شده است. این پویش‌ها و چالش‌های ناشی از آن‌ها مطالعات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی و ازجمله مطالعه نگرش‌های جنسیتی را برای پژوهش‌گران، تحلیل‌گران و مدیران اجتماعی دارای اهمیت ویژه‌ای ساخته است. با وجود این، مطالعاتی از این دست در جامعه ایران اندک است.

این مقاله در پی آن است تا نگرش جنسیتی دانشجویان را، به‌عنوان جمعیتی که به‌طور نسبی بیش از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض افکار نوگرایانه ازجمله برابری‌گرایی جنسیتی هستند، مورد بررسی قرار دهد. از آن‌جا که دانشجویان به‌خاطر جوان بودن و تحصیل کرده بودن در پیشبرد جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند، آشنایی با دیدگاه آنان می‌تواند در شناسایی چالش‌های فکری کنونی و در پیش‌بینی تحولات فرهنگی-اجتماعی آتی مؤثر باشد. در این راستا پرسش‌های زیر در کانون توجه قرار گرفته‌اند:

– آیا زنان و مردان دانشجو دارای نگرش‌های جنسیتی متفاوتی هستند؟

– آیا خصوصیات شخصی و فردی دانشجویان مانند قومیت، پایگاه اقتصادی اجتماعی

و میزان توسعه‌یافتگی محل سکونت آن‌ها با نگرش‌های جنسیتی آنان ارتباط دارد؟

– آیا برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند میزان پایبندی دینی، مدارای فکری و نوع

گرایش سیاسی دانشجویان با نگرش‌های جنسیتی آن‌ها مرتبط است؟

مطالعه تفاوت دو جنس از نظر نگرش‌های جنسیتی علاوه بر آن‌که تصویری از چگونگی نگرش‌های جنسیتی در گروه‌های مختلف اجتماعی ارائه می‌کند، برای آزمون تجربی رویکردهای تبیین‌کننده تفاوت‌های جنسیتی هم به کار می‌آید. دستاورد چنین مطالعاتی همچنین می‌تواند در پیش‌بینی جهت‌یابی آتی قشر جوان و به‌خصوص دانشجویان و آمادگی برای مواجهه با انتظارات و تقاضاهای آنان به کار آید.

۱. در دهه‌های اخیر شاخص‌ها و آمارهای اجتماعی مربوط به موقعیت زنان تغییرات قابل ملاحظه‌ای داشته است که از آن‌جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افزایش متوسط سن ازدواج زنان از ۱۸/۴ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۲ سال در سال ۸۱ (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۴)، افزایش روند کلی شمار طلاق، افزایش سهم پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاه‌ها به بالاتر از ۵۰ درصد کل پذیرفته‌شدگان، افزایش نسبت زنان در جمعیت فعال، افزایش تعداد مدیران زن، افزایش شمار زنان در بین ناشران، مؤلفان، مترجمان و... (نگاه کنید به مرکز مشارکت امور زنان، ۱۳۸۳ الف: ۱۱۱-۱۲۶؛ مرکز مشارکت امور زنان، ۱۳۸۳ ب).

## ۲. پیشینه نظری و تجربی

در این قسمت ابتدا خلاصه‌ای از مباحث نظری موضوع تفاوت‌های جنسیتی و سپس برخی از پژوهش‌های تجربی مربوط به آن مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس فرضیه‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شوند. پیش از بررسی نظریه‌های مربوط به تفاوت نقش‌های جنسی یا جنسیتی، لازم است به تفاوت دو واژه جنس<sup>۱</sup> و جنسیت<sup>۲</sup> در علوم اجتماعی اشاره شود. واژه جنس معمولاً ناظر به یک وضعیت زیست‌شناختی و تفاوت‌های ناشی از آن به خصوص تفاوت‌های فیزیکی بدن است، در حالی که جنسیت معمولاً بازنمای جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت زن مرد است (گیدنز، ۱۹۹۷: ۹۱؛ بریک‌ول، ۱۹۹۰: ۲۱۱؛ بورگاتا و بورگاتا، ۱۹۹۲: ۷۵۱). این تمایز به خصوص از دهه ۱۹۶۰ به هنگام ظهور نقد فمینیستی از علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (بریک‌ول، ۱۹۹۰: ۲۱۱). این دو واژه همچنین مفروضات تبیینی مشخصی را القا می‌کنند. آنان که عبارت «تفاوت جنسیتی» را به کار می‌برند تفاوت زنان و مردان را عمدتاً براساس فرایندهای اجتماعی و فشارهای جامعه‌پذیری تبیین می‌کنند. در مقابل، کسانی که از عبارت «تفاوت جنسی» استفاده می‌کنند معمولاً از این تفاوت‌ها تبیینی زیست‌شناختی و یا اجتماعی-زیستی ارائه می‌کنند. به علاوه، کاربرد این دو عبارت دلالت‌های متفاوتی برای عمل اجتماعی در جهت پذیرش و یا عدم پذیرش تفاوت زنان و مردان دارد. «تفاوت جنسیتی» تغییرپذیر و قابل حذف است، در حالی که «تفاوت جنسی» یک الزام بیولوژیک و غیرقابل تغییر است که حتی تغییر آن ناخوشایند خواهد بود (بریک‌ول، ۱۹۹۰: ۲۱۱). از آن جا که این مقاله از منظری جامعه‌شناسانه به مطالعه تفاوت نگرش‌های زنان و مردان می‌پردازد، بنابراین اصطلاح «تفاوت جنسیتی» را مبنای کار خود قرار می‌دهد. این البته به معنی نادیده گرفتن تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد و نیز تأکید بر برنامه‌های فمینیستی معطوف به حذف همه تفاوت‌های زنان و مردان نیست، بلکه منظور نوعی تأکید بر اهمیت عوامل اجتماعی در ایجاد و استمرار تفاوت نقش‌های جنسیتی و حتی بازتعریف یا معنابخشی به تفاوت‌های زیستی است.

### ۲-۱. پیشینه نظری

روند تاریخی: نقش‌های جنسیتی در طول تاریخ و در جوامع مختلف دستخوش تغییر بوده‌اند. صورت غالب تقسیم کار جنسیتی در جوامع سنتی عبارت بوده از اختصاص کارهای

1. Sex

2. Gender

خانه (توجه و رسیدگی به فرزندان، پخت و پز، شست‌وشو، و نظافت خانه) به زنان و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیرون از خانه به مردان. همچنین در درون خانه مدیریت امور با مردان بوده است. به عبارت دیگر، تقسیم نقش‌های جنسیتی سنتی براساس دو اصل اساسی سازمان‌دهی می‌شد. یکی این‌که باید تقسیم کار براساس جنسیت باشد و زنان و مردان فعالیت‌های متمایزی داشته باشند. دوم این‌که هم در خانه و هم در جامعه مردان باید جنس مسلط باشند و نقش رهبری با آن‌ها باشد (سی‌یرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۵۵). در جامعه جدید صنعتی به تدریج زنان وارد بازار کار شدند و تغییراتی در تقسیم کار جنسیتی به وجود آمد. این تغییرات در راستای توجه بیشتر به حقوق و منزلت زنان سرعت منحصر به فردی پیدا کرده است. همان‌طور که هورتون و هانت (هورتون و هانت، ۱۹۸۷: ۱۳۸-۱۴۶) اظهار می‌دارند، تغییرات به وجود آمده تحت تأثیر عوامل زیر صورت گرفته است:

— افول باورهای جنس‌گرایانه<sup>۱</sup>، باورهای سنتی در خصوص طبیعی دانستن تفاوت‌ها و تبعیض‌ها در جامعه جدید رو به تضعیف بوده است و دیگر تفاوت‌های نقش و منزلت زنان و مردان طبیعی قلمداد نمی‌شود.

تغییر نقش‌های کاری در جامعه؛ با تغییر ساختار اقتصادی و شیوه‌های تولید نیاز به کار زنان و یا قابلیت‌های زنان برای تصدی مشاغل ویژه تغییر می‌کند. در جامعه فراضنتی، برخلاف جامعه صنعتی اولیه که در آن اکثر مشاغل سنگین بودند، مشاغل فراوانی ایجاد شده است که زنان بهتر از عهده آن‌ها برمی‌آیند و یا توان آنان برای انجام دادن آن‌ها کمتر از مردان نیست. در نتیجه، نسبت زنان در بازار کار افزایش یافته است.

اقدامات سازمان‌یافته جنبش زنان، به گونه‌ای که جنبش جدید فمینیستی سه هدف اصلی را دنبال می‌کند: مبارزه قانونی با همه صورت‌های رسمی تبعیض جنسیتی، مبارزه با جامعه‌پذیری نقش جنسیتی سنتی، و مبارزه با رویه‌های نهادی شده جنس‌گرایانه.

اکنون شواهد فراوانی حاکی از آن است که تقسیم کار جنسیتی سنتی که تمایز متصلبی بین زنان و مردان قائل بود در همه جوامع در حال دگرگونی است. زنان به صورت فزاینده‌ای وارد کارهایی شده‌اند که قبلاً فقط ویژه مردان به حساب می‌آمد. همچنین نمونه‌هایی از مردانی می‌توان یافت که کارهایی را که قبلاً ویژه زنان بود انجام می‌دهند. با وجود این، مشارکت مردان در کارهای خانه و نگهداری فرزندان در مقایسه با زنان به مراتب کمتر است و خانه‌داری و

1. Sexist

بچه‌داری هنوز کاری زنانه به حساب می‌آید (سی‌یرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۵۶-۴۵۷). از طرف دیگر، با وجود حضور زنان در بسیاری از مشاغل، باورهای اجتماعی خاصی درباره اشتغال زنان وجود دارد که تمایز روشنی بین کار و شغل زنان و مردان برقرار می‌کند. این تمایز هم به صورت افقی و هم به صورت عمودی است. براساس تفکیک افقی مشاغل اداری، بهداشتی، پرستاری، آموزشی، و مشاغل ساده یا نیمه‌ماهرانه برای زنان مناسب‌تر است. تمایز عمودی ناظر به تخصیص مشاغل مدیریتی و دارای منزلت بالا به مردان است به طوری که حتی در مشاغلی مثل آموزش و پرستاری که شمار زنان در آن‌ها زیاد است نسبت ناچیزی از مشاغل مدیریتی به زنان تعلق دارد. در نتیجه، زنان عمدتاً در مشاغل دارای منزلت پایین مشغول به کار هستند و هنوز با برابری در محیط کار فاصله زیادی دارند (بریک‌ول، ۱۹۹۰: ۲۱۸؛ سی‌یرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۵۵).

با این حال، روند موجود در همه کشورهای به سمت برابری جنسیتی بیشتر است. با وجود این، مدل‌های مختلفی از برابری جنسیتی وجود دارد. آلیس رزی (۱۹۷۰) برای برابری جنسیتی سه مدل نظری مطرح می‌کند: (۱) مدل تکثرگرا<sup>۱</sup> که در آن نقش‌های جنسیتی متفاوت ولی برابر هستند. زن و مرد نقش‌های شغلی متفاوتی را بر عهده می‌گیرند ولی پاداش و منزلت یکسانی دارند، (۲) مدل همانندگرا<sup>۲</sup> که در آن زن و مرد در همه سطوح نظام سیاسی و شغلی موجود به صورت یکسانی وارد می‌شوند، (۳) مدل دوجنسیتی<sup>۳</sup> که در آن انتساب نقش‌ها براساس جنسیت خاتمه می‌یابد و زن و مرد نقش‌های شغلی و خانگی را که در عمل یکسان هستند متناسب با موقعیت به عهده می‌گیرند. همان‌طور که هورتون و هانت استدلال می‌کنند، احتمال تحقق مدل تکثرگرا، که لازمه‌اش یکسان دانستن همه مشاغل از نظر منزلت و دستمزد می‌باشد، بسیار بعید است. در عمل طرفداران برابری حقوق زنان یکی از دو مدل همانندگرا و دوجنسیتی را توصیه می‌کنند و اکثر فمینیست‌ها به مدل دوجنسیتی گرایش دارند که در آن نقش‌های شغلی و خانگی با توجه به موقعیت و بدون توجه به جنسیت تقسیم می‌شود (به نقل از هورتون و هانت، ۱۹۸۷: ۱۴۹).

تبیین تفاوت‌های جنسیتی: تبیین تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسیتی یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز در بین صاحب‌نظران و پژوهش‌گران بوده است. مباحث اولیه بر این موضوع متمرکز بوده است که آیا این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های طبیعی و زیست‌شناختی زن و مرد است یا عوامل اجتماعی و فرهنگی این تفاوت‌های به ظاهر طبیعی را ایجاد کرده‌اند. اکنون به

1. Pluralist  
3. Androgynous

2. Assimilationist

جرئت می‌توان گفت که این تمایز دوگانه ساده‌گمراه‌کننده است. یک تبیین جامع از تفاوت‌های جنسیتی باید استعداد‌های زیست‌شناختی زن و مرد و نیز محیط اجتماعی آنان را مدنظر قرار دهد. به علاوه، روشن است که برای همه تفاوت‌های جنسیتی تبیین واحدی نمی‌توان ارائه کرد. به‌عنوان مثال، علت تفاوت جنسیتی در استعداد ریاضیات ممکن است با علت تفاوت جنسیتی در ابراز خود<sup>۱</sup> یکی نباشد. با وجود این، روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان تأکید می‌کنند که اثر تفاوت‌های زیست‌شناختی زن و مرد به‌شدت متأثر از محیط اجتماعی است (سی‌پرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۴۵).

در بین نظریه‌های جامعه‌شناسانه تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، به‌خصوص تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی، سه گروه از نظریه‌ها را می‌توان متمایز کرد: رویکرد کارکردگرا، رویکرد تضادی، و رویکرد کنش متقابل نمادی (مونی و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۲۴؛ استنلی و وایز، ۲۰۰۲: ۲۷۴-۲۷۵).

کارکردگرایان در تبیین تقسیم کار سنتی جنسیتی تفاوت زیست‌شناسانه دو جنس را با اهمیت می‌دانند. به‌نظر آنان جامعه ماقبل صنعتی نیازمند تقسیم کار جنسیتی بود. زنان براساس شرایط زیست‌شناسانه‌شان در خانه می‌ماندند و شیردادن، پرستاری و مراقبت از بچه‌ها را بر عهده داشتند. مردان که از نظر جسمی قوی‌تر بودند و می‌توانستند مدت طولانی دور از خانه بمانند، تهیه غذا، پوشاک و سرپناه را برعهده داشتند. این تقسیم کار برای جامعه کارکرد داشت و در طول زمان به‌صورت به‌هنگار و طبیعی تعریف شد. صنعتی شدن کارکردهای تقسیم کار سنتی را کاهش داد، در حالی‌که بقایای نظام باورهای حامی آن هنوز پابرجا هستند. امروزه به‌خاطر تسهیلات مراقبت از بچه‌ها، کاهش میزان باروری، غیرفیزیکی و کم‌خطرتر شدن مشاغل، تقسیم کار سنتی جنسیتی به اندازه گذشته کارکردی نیست.

براساس رویکرد تضادی، فرادستی مردان و فرودستی زنان ناشی از روابط آنان در فرایند تولید است. در دوره شکار و گردآوری غذا زنان و مردان از نظر اقتصادی، و در نتیجه از نظر منزلت اجتماعی، برابر بودند. با تحول به مرحله کشاورزی مالکیت خصوصی ایجاد شد و مردان کنترل شیوه تولید را به‌دست گرفتند و زنان در خانه ماندند. تسلط مردان با قوانین ارث تثبیت شد. در ابتدای دوره صنعتی شدن، که تولید کالا و خدمات از خانه دور شد، شکاف بین زن و مرد تشدید شد. با وجود این، تغییرات نظام کار صنعتی و گسترش بخش خدمات زنان زیادی را وارد بازار کار کرد و گسترش دیدگاه‌های برابری‌گرایان را وارد رقابت جدی با مردان کرد.

## 1. Self-disclosure

به‌نظر صاحب‌نظران تضادی، تداوم تسلط مردان بر زنان مستلزم تداوم نظام باورهای است که از نابرابری جنسیتی حمایت می‌کند. این باورها عبارت از این است که زنان خارج از خانه موقعیت فزونی دارند زیرا کم‌هوش‌تر، غیرقابل اعتمادتر، و غیرعقلانی‌تر هستند، و دیگر این‌که زنان در خانه ارزشمندترند زیرا دارای قابلیت طبیعی باروری و غریزه مادری هستند. بنابراین، براساس این رویکرد، برخلاف رویکرد کارکردگرا، موقعیت فرودست زنان در جامعه ناشی از یک عامل اجتماعی است و نه یک عامل زیستی.

رویکرد کنش متقابل نمادی بر فرایند جامعه‌پذیری در ایجاد تفاوت‌های جنسیتی تأکید دارد. در این فرایند زنان و مردان معانی مرتبط با زنانگی و مردانگی را می‌آموزند. تخصیص جنسیت<sup>۱</sup> در بدو تولد هنگامی‌که بچه به‌عنوان دختر یا پسر طبقه‌بندی می‌شود آغاز می‌گردد و در طول زندگی با فراگیری تعاریف جامعه از نقش‌های جنسیتی مناسب و نامناسب ادامه می‌یابد.

نقش‌های جنسیتی در خانه، مدرسه، گروه همسالان، و تصویرسازی رسانه‌ها از دختران و پسران، و زنان و مردان تثبیت می‌شوند. بنابراین مفاهیم مربوط به جنسیت به‌صورت اجتماعی ساخته می‌شود به نحوی که انتظارات جامعه معنی زن یا مرد بودن را تعیین می‌کند. با وجود تفاوت‌های نژادی و طبقاتی، در مجموع، زنان برای نقش‌های نمایی<sup>۲</sup> یا نقش‌های پرورشی و حمایت عاطفی و مردان اغلب برای نقش‌های ابزاری و معطوف به هدف جامعه‌پذیر می‌شوند (مونی و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۲۴-۲۲۶).

از نظر تبیین پدیده تفاوت‌های جنسیتی به‌نظر می‌رسد رویکرد فمینیستی را نمی‌توان یک رویکرد مستقل، که تبیین متمایزی نسبت به سایر رویکردها ارائه کند، به حساب آورد زیرا در تبیین‌های فمینیستی همه موارد مطرح شده در سه رویکرد مورد بحث یافت می‌شوند. آنچه رویکرد فمینیستی را از رویکردهای کلاسیک تبیین تفاوت جنسیتی متمایز می‌کند ارزیابی اخلاقی این رویکرد از این پدیده است. از نظر رویکرد فمینیستی واقعیت تفاوت‌ها، و به‌خصوص نابرابری‌های جنسیتی، ضروری و مفید نیستند بلکه ظالمانه و ناشی از برتری‌طلبی مردان هستند و می‌توانند و باید تغییر کنند (استنلی و وایز، ۲۰۰۲: ۲۷۵-۲۷۷).<sup>۳</sup>

در مجموع این رویکردها با آن‌که تفاوت‌هایی در ارزیابی اخلاقی و ضرورت زیستی و اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی دارند، از نظر بر شمردن فرایندها و عوامل اجتماعی ایجاد،

## 1. Gender assignment

## 2. Expressive roles

۳. برای آگاهی از تبیین‌های متنوع فمینیستی که عناصری مشابه با سایر رویکردهای جامعه‌شناسانه دارند (بنگرید به جکسون و دیگران، ۱۹۹۳).



تثبیت، و تداوم این تفاوت‌ها عوامل تقریباً مشابهی را با اهمیت می‌دانند. این عوامل که در نظریه‌های سه‌گانه فوق به نوعی مورد بحث قرار گرفتند عبارتند از جامعه‌پذیری، نقش‌های اجتماعی، و موقعیت‌های اجتماعی (بنگرید به سی‌یرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۴۸-۴۵۵).

در مجموع می‌توان گفت که چه براساس نظر کارکردگرایان منشا تفاوت نقش‌های جنسیتی عمدتاً تفاوت‌های زیستی و روانی دو جنس باشد و چه براساس نظر تضادگرایان و بیشتر فمینیست‌ها سلطه مردانه در نظام مردسالار تفاوت نقش‌های جنسیتی را ایجاد کرده باشد، فرایندهای جامعه‌پذیری باورها و نگرش‌های مربوط به تفاوت نقش‌های جنسیتی را ایجاد و تثبیت می‌کنند. به‌علاوه، تحولات صنعتی دنیای جدید ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را تغییر داده است. این تغییرات تغییر در نقش‌های جنسیتی در جامعه و خانه را امکان‌پذیر ساخته و در مواردی آن را به یک ضرورت کارکردی تبدیل کرده است. در عین حال، جریان‌های فکری اشاعه‌دهنده برابری جنسیتی نظام تقسیم کار جنسیتی سنتی مبتنی بر سلطه مردان را زیر سؤال برده‌اند. بنابراین می‌توان موضوع تحول در نظام تقسیم کار سنتی را در راستای تحولات جامعه از سنتی به مدرن ارزیابی و تحلیل کرد و بر این اساس انتظار داشت که افرادی که بیشتر در موقعیت‌های سنتی قرار دارند و بیشتر متأثر از جریان‌های فکری حامل سنت می‌باشند به برابری جنسیتی در تقسیم نقش‌های اجتماعی و خانگی کمتر گرایش داشته باشند و برعکس.

## ۲-۲. پیشینه تجربی

تفاوت‌های جنسیتی موضوع جالب و در عین حال پرمناقشه‌ای برای پژوهش‌گران بوده است و پژوهش‌های تجربی فراوانی در این خصوص صورت گرفته است که نتایج متضاد و گاه گیج‌کننده‌ای به بار آورده‌اند مک کبی و ژاکلین (۱۹۷۴) در سال ۱۹۷۴ همه پژوهش‌های در دسترس در آمریکا درباره تفاوت‌های جنسیتی را به شرح زیر جمع‌بندی کردند: پسران خشن‌تر و دارای توانایی ریاضی و تجسمی فضایی بیشتری هستند؛ تفاوت جنسی معنی‌داری در اجتماعی بودن، تأثیرپذیری، عزت نفس، یادگیری سطحی، یادگیری شناختی، توانایی تحلیلی، انگیزه پیشرفت، پاسخ به محرک‌های صوتی و تصویری، و تأثیرپذیری از عوامل توارثی یا محیطی دیده نمی‌شود؛ درباره تفاوت‌های جنسی در حساسیت بساویایی، ترس، کم‌رویی، اضطراب، میزان فعالیت، رقابت‌جویی، برتری‌طلبی، تسلیم‌پذیری، و رفتار پرورشی پژوهش‌ها دارای نتایج متضاد یا فاقد نتیجه مشخصی هستند. (به نقل از هورتون و هانت، ۱۹۸۷). در کار مشابهی سیرس و همکارانش (سی‌یرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۴۸-۴۵۵)، با تحلیل منظم پژوهش‌های

انجام شده در این خصوص و با استفاده از تکنیک فراتحلیل<sup>۱</sup>، تفاوت‌های جنسیتی مربوط به توانایی‌های فکری و رفتار اجتماعی مثل خشونت، مددکاری<sup>۲</sup>، هم‌نوایی، و ارتباطات غیرکلامی<sup>۳</sup> را بررسی کردند. آن‌ها در نهایت به این سؤال که صرف‌نظر از واقعیت‌های زیست‌شناسانه، زنان و مردان چقدر با هم تفاوت دارند، به این ترتیب پاسخ دادند:

پژوهش‌های روان‌شناختی پاسخ ساده‌ای ارائه نمی‌کنند. در سطح توانایی‌های اولیه و استعدادهاى شخصى اندازه تفاوت‌های جنسیتی اغلب ناچیز است... با وجود این، به نظر می‌رسد در رفتار پرخاشگرانه و مهارت‌های ارتباطی غیرکلامی تفاوت‌های جنسیتی (بنا به هر دلیل پیچیده‌ای که دارند) وجود دارند. و فعالیت‌ها و نقش‌های روزانه زنان و مردان اغلب بسیار متفاوت هستند. جمع‌بندی درباره این‌که دو جنس «اساساً متفاوت» یا «اساساً مشابه» هستند، سؤالی است که با دیدگاه افراد نسبت به موضوع ارتباط پیدا می‌کند. [همان‌طور که هیرموسستین و ماریک مارِسک (۱۹۸۸) مطرح می‌کنند]، در هر دو موضع بهره‌ای از واقعیت و قدری اغراق وجود دارد (سی‌یرز و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۴۸).

به موازات تغییر ساختار اقتصادی اجتماعی و نظام تقسیم کار جنسیتی سنتی و نیز با گسترش پویای اجتماعی زنان پژوهش‌هایی در خصوص نگرش‌های جنسیتی صورت گرفته است. لی‌چانگ، در یک مطالعه مقایسه‌ای بین دانشجویان آمریکایی و چینی، با استفاده از سنجه‌ای به نام «نگرش برابری‌گرایی نقش‌های جنسیتی»<sup>۴</sup> نمونه‌هایی از دانشجویان هنگ‌کنگی و آمریکایی را با هم مقایسه کرد. براساس یافته‌های او، چینی‌ها در ارتباط با نگرش جنسیتی شغلی کمتر از آمریکایی‌ها برابری طلب بودند، ولی در نگرش جنسیتی خانگی در مجموع تفاوتی بین آمریکایی‌ها و چینی‌ها دیده نشد ولی زنان چینی از این نظر بیش از هم‌تایان آمریکایی خود برابری‌گرا بودند. از نظر تفاوت نگرش زنان و مردان پژوهش وی نشان داد که در مجموع برابری‌گرایی زنان بیش از مردان است. با وجود این، در نمونه آمریکا از حیث نگرش جنسیتی خانگی تفاوت چندانی بین زنان و مردان دیده نشد. به علاوه، در نگرش جنسیتی شغلی تفاوت زنان و مردان در هر دو فرهنگ به یک میزان بود. چانگ از این یافته‌ها نتیجه می‌گیرد که تغییرات اجتماعی و ایدئولوژی برابری‌گرایی جنسیتی زندگی عمومی را بیش از زندگی خصوصی

1. Meta-analysis
2. Helping
3. Nonverbal communications
4. Gender Role Egalitarian Attitudes (GREA)

تحت تأثیر قرار می‌دهد. در عرصه خصوصی (خانگی) سنت‌های فرهنگی مقاوم‌تر هستند (چانگ، ۱۹۹۹، ۷۳۶-۷۸).

شفیرو و همکارانش (شافیرو، ۲۰۰۳: ۲۹۷-۳۰۳) در یک پژوهش مقایسه‌ای بین نمونه‌ای از زنان دانشجوی آمریکایی و اوکراینی نتیجه گرفتند که زنان اوکراینی دارای نگرش جنسیتی محافظه‌کارانه‌تری بودند. همچنین در مطالعه آنان رابطه معناداری بین فردگرایی/جمع‌گرایی و نگرش جنسیتی یافت نشد. در مطالعه آنان نگرش جنسیتی با پرسشنامه لیکرت پنج ارزشی متشکل از ۱۶ گویه سنجیده شد. این گویه‌ها به انتظارات و ترجیحات نقشی زن و مرد به‌خصوص در روابط اجتماعی مربوط می‌شدند و از پرسش‌نامه روابط زن و مرد اسپنس و همکارانش (اسپنس، ۱۹۸۰: ۱-۳) اقتباس شده بود.

دی‌تلباوم (۲۰۰۴) برای بررسی منابع نگرش‌های سنتی جنسیتی در دوره گذار در کرواسی از یک نمونه ۲۰۳۰ نفره از پژوهش‌های «مرکز تحقیقات گذار و جامعه مدنی»<sup>۱</sup> استفاده کرد و اثر تجربه‌های مربوط به جنگ یعنی تضاد یا قطبی شدن درون‌گروهی<sup>۲</sup> و برون‌گروهی<sup>۳</sup> بر نگرش‌های جنسیتی را آزمود. در کار او نگرش‌های جنسیتی به دو بعد نگرش‌های مربوط به خط مشی<sup>۴</sup>، مثل نگرش نسبت به طلاق و سقط جنین، و نگرش نسبت به نقش‌های خانوادگی جنسیتی<sup>۵</sup>، مثل تقسیم کار در خانه تقسیم شد. یافته‌های وی حاکی از آن است که تضاد یا قطبی شدن برون‌گروهی متغیری است که بر نگرش‌های جنسیتی (نگرش‌های مربوط به خط مشی و نگرش نسبت به نقش‌های خانوادگی جنسیتی) بیش از سایر متغیرها تأثیر دارد.

در مجموع، براساس جمع‌بندی بریکول (بریکول، ۱۹۹۰: ۲۲۰) پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آن است که نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی در گروه‌های مختلف، از جمله طبقات مختلف اقتصادی-اجتماعی، گروه‌های قومی، و فرهنگ‌های مختلف تا حدودی تفاوت دارد. با وجود این، عجیب است که شواهدی مبنی بر تفاوت قابل توجهی در نگرش جنسیتی زنان و مردان وجود ندارد. ولی شاید این مطلب چندان عجیب نباشد، زیرا همه اعضای یک پاره فرهنگ تحت تأثیر فرایند جامعه‌پذیری و شرایط محیطی یکسانی قرار دارند. با وجود این، همان‌طور که پیشتر مطرح شد، یافته‌های چانگ (۱۹۹۹) از دو نمونه آمریکایی و چینی با جمع‌بندی بریکول تفاوت دارد و نشان می‌دهد که حداقل در نگرش جنسیتی شغلی زنان برابری

1. Center for the Investigation of Transition and Civil Society
2. in-group polarization
3. out-group polarization
4. policy attitudes
5. gendered family roles

طلب‌تر از مردان هستند، هرچند که تفاوت مردان و زنان در مناطق و کشورها تقریباً یکسان است.

در ایران، پژوهش‌های انجام شده، که در آن‌ها تفاوت‌های دو جنس از حیث نگرش‌های مختلف بررسی شده باشد، نادر است. با وجود این، در معدودی از پژوهش‌ها پرسش‌هایی وجود دارند که به نوعی معرف نگرش‌های جنسیتی و برابری‌طلبی جنسیتی هستند. در این قسمت ابتدا نمونه‌ای از پژوهش‌هایی که به‌طور کلی به تفاوت‌های نگرشی دو جنس می‌پردازند معرفی می‌شوند و سپس به یافته‌های برخی از پژوهش‌های پیمایشی در خصوص نگرش‌های جنسیتی اشاره می‌شود.

در سال ۱۳۷۸، تحقیقی تحت عنوان «تحلیل ثانویه ارزش‌های اجتماعی و اولویت‌ارزشی» انجام شد که در آن پنج ارزش متفاوت ثروت، مقام، سلامتی، آبرو و دانش در بین مردان و زنان مورد مقایسه قرار گرفت. یافته‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که از بین ارزش‌های مادی مردان بیشتر به ثروت و زنان بیشتر به مقام اهمیت می‌دهند، اما در کل زنان و مردان از نظر گرایش به ارزش‌های مادی و غیر مادی تفاوت محسوسی نداشته‌اند (عظیمی، ۱۳۷۸).

نتایج پژوهشی با نام «رابطه اولویت‌های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت» نشان داد که زنان و مردان در برخی نوع‌های ارزشی به‌طور معناداری با یکدیگر متفاوت هستند. مردان اغلب لذت‌گرا، اقتدارگرا، حادثه‌جو و خواهان دوستان حامی و صمیمی هستند، در حالی که زنان عدالت‌گرا، استقلال‌گرا، سلامت‌گرا، صداقت‌گرا و خواهان جهان زیبا بوده و بیش از مردان مذهب‌گرا هستند (داریاپور، ۱۳۸۱).

مطالعه دیگری تحت عنوان جنسیت و نگرش اجتماعی نشان می‌دهد که مردان و زنان در مورد پاره‌ای از موضوعات اجتماعی مانند رضایت از اوضاع مالی، اقتدار در خانواده، نظام تصمیم‌گیری در خانواده، دینداری، رابطه دین و سیاست و در نهایت در مورد ارزیابی نظام سیاسی دارای نگرش‌های متفاوت هستند (گودرزی و همکاران، بی‌تا).

همچنین یافته‌های طرح «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردان و زنان بالای ۲۰ سال شهر شیراز» حاکی از آن است که میزان وفاداری زنان به نظام سیاسی بیش از مردان است و آنان ارزیابی خوش‌بینانه‌تری از نظام سیاسی دارند. علاوه بر این، میانگین نمره آگاهی سیاسی زنان از میانگین نمره مردان پایین‌تر است (ایمان و بوستانی، ۱۳۸۲).

مطالعه دیگری با عنوان «رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس» نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی پسران در مقایسه با دختران غیر کلیشه‌ای‌تر است و دختران بیش از پسران آرزو دارند که در صورت تولد دوباره جنس دیگری داشته باشند (ظهره‌وند، ۱۳۸۳).

پژوهش‌هایی که مستقیماً به موضوع تفاوت نگرش‌های جنسیتی مردان و زنان بپردازند بسیار کم‌شمارند، اما یافته‌های برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد.

نتایج تحقیقات مرکز مطالعات و تحقیقات زنان حاکی از آن است که بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان به تقسیم کار جنسیتی سنتی مبتنی بر تفوق و اولویت مردان در بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی، گرایش دارند، به طوری که ۶۸ درصد از زنان پاسخگو معتقدند که فرصت‌های شغلی باید به مردان واگذار شود و فقط ۴۷ درصد از آنان برای خود حق انتخاب شغل قائل هستند. یک‌چهارم از زنان شهر تهران انتخاب همسر برای خود توسط دیگران را می‌پذیرند و تنها یک چهارم آنان بر این باورند که برابری زنان و مردان با فرهنگ جامعه ایران سازگار است. یافته‌های یک پژوهش پیمایشی از زنان تهرانی هم نشان می‌دهد که ۵۹ درصد از پاسخگویان با تقسیم کار سنتی، که در آن تصمیم‌گیر اصلی خانه مرد و کارهای خانه برعهده زن است، مخالف بوده و حدود ۳۷ درصد با آن چندان مخالفتی نداشته‌اند («گزارش طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی زنان کشور»، ۱۳۸۲: ۳۵).

یافته‌های طرح «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» حاکی از آن است که از نظر مردم ایران مشاغل فنی، رانندگی تاکسی و اتوبوس و ریاست جمهوری عمدتاً مشاغل مردانه هستند، به طوری که به ترتیب ۷۷، ۶۹ و ۵۶ درصد پاسخگویان با اشتغال به کار زنان در این مشاغل مخالف بوده‌اند. در عین حال نسبت زنانی که با تصدی زنان در این مشاغل مخالف بوده‌اند حدود ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از مردان است. با وجود این، نزدیک سه‌چهارم (۷۲ درصد) پاسخگویان با این عبارت که «وظیفه زن‌ها خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند» مخالف و فقط حدود یک‌پنجم (۲۱ درصد) با آن موافق بوده‌اند. نسبت کسانی که با عبارت فوق مخالف بوده‌اند در بین زنان و مردان به ترتیب ۸۱ درصد و ۶۴ درصد بود (دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲: ۶۳-۷۲). به این ترتیب، این یافته‌ها حاکی از آن است که زنان دارای نگرش جنسیتی برابری طلبانه‌تری بودند.

عبداللهیان در مقاله‌ای که برگرفته از یافته‌های یک پژوهش پیمایشی درباره تفاوت‌های نسلی است، تلاش می‌کند تا تفاوت نگرش جنسیتی نسل‌ها را با استفاده از یک مدل تحلیلی با توجه به تفاوت‌های سنی، جنسی و طبقاتی تبیین کند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که موافقت زنان با گویه‌های مربوط به نگرش‌های جنسیتی برابری طلبانه حدود ۲۰ درصد بیش از مردان است. با وجود این، حدود نیمی از زنان به تقسیم کار مبتنی بر اولویت و رجحان مردان در عرصه‌های شغلی و سیاسی موافق بوده‌اند. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت زنان و مردان در نگرش‌های جنسیتی در گروه‌های سنی پایین (۱۳-۲۹

ساله‌ها) بیش از گروه‌های سنی میانی (۳۰-۴۶) و بالا (۴۷-۸۲) است. یعنی، زنان و مردان متعلق به گروه‌های سنی بالاتر دارای نگرش جنسیتی یک‌دست‌تری هستند و نگرش آن‌ها در مقایسه با جوان‌ترها تبعیض‌آمیزتر است. به عبارت دیگر، زنان متعلق به گروه‌های سنی بالاتر بیشتر پذیرای نقش‌های جنسیتی سنتی مبتنی بر اولویت مردان هستند (عبداللهیان، ۱۳۸۳: ۷۰-۸۱).

### فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مباحث نظری و پژوهش‌های تجربی و براساس این جمع‌بندی که تحول در نظام تقسیم کار سنتی در راستای تحولات جامعه از سنتی به مدرن قابل ارزیابی و تحلیل است، می‌توان انتظار داشت که افرادی که بیشتر در موقعیت‌های سنتی قرار دارند و بیشتر متأثر از جریان‌های فکری حامل سنت می‌باشند به برابری جنسیتی در تقسیم نقش‌های اجتماعی و خانگی کمتر گرایش داشته باشند و برعکس.

بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود متغیرهای زمینه‌ای مثل جنس، سن، سطح توسعه‌یافتگی محل سکونت، بالا یا پایین بودن پایگاه اقتصادی-اجتماعی و قومیت از این جهت که میزان مواجهه فرد را با وضعیت‌ها و یا باورها و ارزش‌های جدید یا سنتی کم یا زیاد می‌کنند، بر نگرش آنان نسبت به برابری جنسیتی تأثیر متفاوتی دارند. همچنین نگرش‌ها و باورهایی مثل دینداری، مدارای فکری، گرایش سیاسی اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا، از حیث نسبت و سنخیتی که با دنیای سنت یا دنیای مدرن دارند رابطه متفاوتی با برابری‌گرایی جنسیتی خواهند داشت (مراجعه شود به اینگلههارت ۱۳۷۳، قاضیان ۱۳۸۰، محمودی ۱۳۸۰، بیابانی ۱۳۸۱، موحد و دلبری ۱۳۸۳، همچنین اسملسر، آرمر و کاتسلیس، ۱۹۹۲؛ کانولی، ۱۹۸۴، ۱۹۸۸).

در مورد جنس باید توجه داشت که علاوه بر تفاوتی که معمولاً زنان و مردان از نظر گرایش‌های سنتی یا جدید دارند (معمولاً زنان گرایش‌های سنتی دارند<sup>۱</sup>)، درباره برابری‌گرایی جنسیتی، موضوع منافع جنسیتی هم عامل تأثیرگذار و مهمی است. یعنی با آن‌که زنان معمولاً سنت‌گراتر از مردان هستند، اما چون برابری جنسیتی مستقیماً در جهت تأمین منافع و حقوق آنان است ممکن است در این موضوع خاص به دیدگاه‌های مدرن تقسیم جنسیتی نقش‌ها بیش از

۱. یافته‌های پژوهش‌های پیمایشی مختلف در ایران حاکی از آن است که در اکثر نگرش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی زنان سنت‌گراتر و محافظه‌کارتر از مردان هستند (برای مثال رجوع شود به، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲؛ دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۰؛ سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۲؛ گودرزی و همکاران، بی‌تا؛ ایمان و بوستانی، ۱۳۸۲؛ محسنی، ۱۳۷۷).

مردان‌گرایی داشته باشند. با توجه به مباحث یاد شده فرضیه اصلی مقاله را می‌توان به ترتیب زیر صورت‌بندی نمود:

افرادی که در موقعیت‌های سنتی‌تر قرار دارند و از جریان‌های فکری حامل سنت بیشتر تأثیر می‌پذیرند، کمتر موافق برابری‌گرایی جنسیتی هستند.  
با توجه به ارتباط میان متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی یادشده می‌توان فرضیه‌های زیر را از فرضیه اصلی اشتقاق نمود:

- برابری‌گرایی جنسیتی در بین زنان بیش از مردان است.
- برابری‌گرایی جنسیتی در بین افرادی که از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر برخوردارند بیشتر است.
- برابری‌گرایی جنسیتی در بین افرادی که در شهرهای توسعه‌یافته‌تر به سر می‌برند بیشتر است.
- برابری‌گرایی جنسیتی در بین افرادی که از مدارای فکری بیشتری برخوردارند بیشتر است.
- برابری‌گرایی جنسیتی در بین افراد دیندارتر ضعیف‌تر است.
- برابری‌گرایی جنسیتی با گرایش سیاسی رابطه دارد و در بین افراد متمایل به گروه‌های اصلاح‌طلب بیش از افراد متمایل به گروه‌های اصول‌گرا است.
- تفاوت زنان و مردان در برابری‌گرایی جنسیتی در بین افرادی که دارای موقعیت‌های مختلف اجتماعی هستند متفاوت است، به طوری که این تفاوت در افراد متعلق به پایگاه بالاتر و ساکنان شهرهای توسعه‌یافته‌تر بیشتر از افراد متعلق به پایگاه پایین‌تر و ساکنان شهرهای کمتر توسعه‌یافته است.

### ۳. روش‌شناسی

#### ۳-۱. جمعیت و نمونه تحقیق

اطلاعات این نوشتار برگرفته از یافته‌های طرح «سنجش‌گرایی‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» است. مطالعه یاد شده براساس یک نمونه ۱۵۲۲ نفره از دانشجویان دختر و پسر در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱ در ۲۰ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اجرا شده است.

روش نمونه‌برداری در این مطالعه خوشه‌ای دو مرحله‌ای و به روش PPS بود (نگاه کنید به، بیکر، ۱۳۷۷: ۱۸۰-۱۸۵). بر این اساس از دو خوشه اصلی (دانشگاه‌های تهران و

سایر شهرستان‌ها) ۲۰ دانشگاه انتخاب شد<sup>۱</sup>. تعداد پاسخگویان در هر دانشگاه متناسب با تعداد دانشجویان آن دانشگاه بود. افراد مورد نظر به روش تصادفی ساده انتخاب شدند.

پرسشنامه این طرح عمده‌ترین گرایش‌ها، رفتارها و آگاهی‌های دانشجویان در حوزه‌های جمعیتی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. اهمیت موضوع نگرش‌های جنسیتی برای فهم تحولات و پویای‌های اجتماعی ایران نویسندگان این مقاله را بر آن داشت تا با تکیه بر برخی اطلاعات قابل دسترس در طرح پژوهشی مورد نظر جنبه‌هایی از نگرش‌های جنسیتی دانشجویان را بررسی نمایند.

### ۲-۳. متغیرها و سنجدها

با توجه به توضیح بالا، روش به کار رفته در این مقاله تحلیل ثانویه<sup>۲</sup> است. در این روش محقق از اطلاعاتی استفاده می‌کند که قبلاً در پژوهشی دیگر و متناسب با اهدافی دیگر گردآوری شده است (بیکر، ۱۳۷۷: ۳۰۷-۳۱۵؛ لورگاتا و مونتگری، ۲۰۰۰: ۲۳۷). در نتیجه، تعریف عملیاتی متغیرها و ساختن سنجدها و نیز انتخاب متغیرهای تبیینی در چهارچوب امکانات و محدودیت‌های منبع اطلاعاتی انجام می‌شود.

در این مقاله متغیر وابسته اصلی برابری‌گرایی جنسیتی است. متغیرهای مستقل مورد استفاده دو دسته متغیر را شامل می‌شود. گروه اول شامل خصوصیات عمدتاً غیراکتسابی افراد مانند جنس، قومیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و محل سکونت است؛ و دسته دوم شامل عوامل اکتسابی مانند دینداری، مدارای فکری، و گرایش سیاسی است. در این قسمت به چگونگی سنجش این متغیرها می‌پردازیم.

برابری‌گرایی جنسیتی: این مفهوم معمولاً براساس نگرش نسبت به نظام نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی سنتی سنجیده می‌شود. در نظام نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی سنتی تفوق و تسلط ویژه مردان است و نقش‌های خانگی به زنان و نقش‌های خارج از خانه و نیز نقش‌های کنترل و مدیریت در خانه و جامعه به مردان اختصاص دارند.

۱. اسامی دانشگاه‌هایی که در نمونه قرار گرفتند عبارتند از: در تهران دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، امیرکبیر، صنعتی شریف، الزهرا، علم و صنعت، تربیت معلم، و در شهرستان‌ها دانشگاه‌های اراک، اردبیل، ارومیه، صنعتی اصفهان، اهواز، تربیت معلم تبریز، رشت، زاهدان، شیراز، کرمان، کرمانشاه، مشهد، همدان.

## 2. Secondary Analysis



مهم‌ترین مقیاس‌هایی که معمولاً برای نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی به کار می‌رود عبارتند از: «مقیاس نگرش نسبت به زنان»<sup>۱</sup> (اسپنس و هلمریش، ۱۹۷۱، ۱۹۷۸)، «مقیاس ایدئولوژی نقش جنسی»<sup>۲</sup> (کالین و تیلای، ۱۹۷۸)، و «مقیاس برابری‌گرایی نقش جنسی»<sup>۳</sup> (بیر و دیگران، ۱۹۸۴). ویژگی مشترک این مقیاس‌ها و سایر مقیاس‌های نگرش نقش جنسیتی این است که گویه‌های آن‌ها مربوط به ایدئولوژی‌های معین جنسیتی هستند. نمونه‌ای از گویه‌هایی که معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: «زنان همانند مردان می‌توانند از عهده فشارهای شغلی برآیند»، «یک زن باید عیناً از همان میزان از آزادی عمل یک مرد برخوردار باشد»، «برای زنان آزادی اجتماعی و اقتصادی بسیار ارزشمندتر از قبول زنانگی آرمانی است، که توسط مردان تعریف می‌شود». به نظر لی چانگ، این مقیاس‌ها آشکارا واجد ایدئولوژی فمینیستی است، که ممکن است برای برخی از فرهنگ‌ها آشنا نباشد و یا ممکن است به خاطر مطلوبیت اجتماعی آن ایدئولوژی نوعی اریب<sup>۴</sup> در پاسخ ایجاد کند. او برای غلبه بر این مشکل در مطالعه مقایسه‌ای خود بین دانشجویان آمریکایی و چینی، سنجه‌ای به نام «نگرش برابری‌گرایی نقش‌های جنسیتی»<sup>۵</sup> ساخت. در این سنجه، براساس نظریه توزیع نقش، دو نوع نقش در نظر گرفته می‌شود: نقش‌های خانگی شامل، مراقبت از بچه، شست‌وشوی لباس، انجام دادن کارهای منزل، پخت و پز، خرید ارزاق، و نقش‌های کاری شامل، رهبری، داشتن شغل موفقیت‌آمیز، انجام دادن فعالیت‌های تجاری، داشتن بیشترین تحصیلات عالی ممکن، پول در آوردن. پاسخگویان در مقیاس چانگ اظهار می‌دارند که نقش‌ها و یا فعالیت‌های فوق‌تا چه حد مردانه یا زنانه است و یا به‌طور یکسان می‌تواند توسط مردان و زنان انجام شود. آزمون‌های اعتبار نشان داد که این مقیاس با مقیاس‌های نگرش‌های برابری‌گرایی جنسیتی دارای همبستگی بالایی است لی چانگ، ۱۹۹۱: ۷۲۳-۷۳۰).

در مطالعه دیگری دیتلباوم (۲۰۰۴) مبنای مشابهی به کار گرفت. او نگرش‌های جنسیتی را به دو بعد نگرش‌های مربوط به خط مشی<sup>۶</sup>، مثل نگرش نسبت به طلاق و سقط جنین، و نگرش نسبت به نقش‌های خانوادگی جنسیتی<sup>۷</sup>، مثل تقسیم کار در خانه تقسیم کرد. در این مقاله هم سنجه برابری‌گرایی جنسیتی براساس نگرش نسبت به توزیع نقش‌های

1. Attitudes Towards Women Scale (AWS)

2. Sex-Role Ideology Scale (SRIS)

3. Sex-Role Egalitarianism Scale (SRFS)

4. bias

5. Gender Role Egalitarian Attitudes (GREA)

6. policy attitudes

7. gendered family roles

جنسیتی در خانه و جامعه ساخته شده است. در پرسشنامه پیمایش مورد استفاده این مقاله، پرسش‌هایی وجود داشت که می‌توانست به این منظور مورد استفاده قرار گیرد. برابری‌گرایی جنسیتی در نقش‌های خانگی براساس پریشی که نگرش پاسخگویان را درباره تقسیم کارهای منزل بین زن و مرد مشخص می‌کند سنجیده شد. این پرسش و گزینه‌های پاسخ آن در جدول شماره ۱ آمده‌اند. از ۹ مورد کارهای خانگی مندرج در جدول شماره ۱ پنج مورد اول که دارای همبستگی درونی بیشتری بودند برای ساختن این شاخص مورد استفاده قرار گرفته و بقیه کنار گذاشته شدند. آلفای کرونباخ برای سنجه برابری‌گرایی در نقش‌های خانگی ۰/۷۰ به دست آمد. سنجه برابری‌گرایی جنسیتی در نقش‌های اجتماعی براساس ۸ عبارت مندرج در جدول‌های ۲ و ۳ ساخته شد که آلفای کرونباخ آن ۰/۶۷ محاسبه شد. از تلفیق دو سنجه خانگی و اجتماعی برابری‌گرایی جنسیتی، شاخص کل برابری‌گرایی جنسیتی متشکل از ۱۳ مؤلفه و با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ ساخته شد که در محاسبات آماری مورد استفاده قرار گرفت. مقادیر آلفای شاخص کل و دو بعد آن حاکی از پایایی رضایت‌بخش این سنجه‌هاست.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی: شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده پاسخگویان از ترکیب سه متغیر درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی پدر خانواده به دست آمده است.

محل سکونت: براساس یک معیار قراردادی منطقه سکونت افراد از نظر میزان توسعه‌یافتگی و نقشی که در تحولات و رویدادهای جامعه ایفا می‌کند به سه گروه تقسیم شده‌اند. بر این اساس تهران که نقطه ثقل رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایران است در مرتبه اول قرار می‌گیرد. طبقه دوم شامل مراکز استان‌ها و برخی شهرهای هم‌تای آن است و گروه سوم سایر شهرها را شامل می‌شود.

دینداری: شاخص کل دینداری از ترکیب ۱۸ سؤال و گویه که براساس ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی، و پسی‌آمدی مقیاس گلاک و استارک (رجوع شود به سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۴ و ۱۶۵-۱۷۳) طراحی شده بودند به صورت مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای ساخته شده است. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۸ به دست آمد.

گرایش سیاسی: گرایش سیاسی پاسخگویان براساس تمایل آنان به رأی دادن به کاندیداهای دو جریان اصلی فکری و سیاسی فعال در سیاست کشور، یعنی اصول‌گرایان و اصلاح‌گرایان مشخص شده است. بنابراین این متغیر در سطح اسمی سنجیده می‌شود و دارای سه گزینه پاسخ است: طرفداران گروه‌های اصول‌گرا، طرفداران گروه‌های اصلاح‌گرا، و کسانی که به هیچ‌یک از این دو گروه گرایش ندارند.

مدارای فکری: مدارای فکری ناظر به موافقت با آزادی بیان و آزادی انتشار دیدگاه کسانی

است که از نظر اکثریت دارای عقاید غیر قابل قبول دینی یا سیاسی هستند. مقیاس این متغیر از ۱۲ عبارت که دیدگاه پاسخگویان را در این خصوص می‌سنجد به صورت طیف لیکرت سه ارزشی ساخته شده و آلفای آن ۰/۸۷ به دست آمد.

#### ۴. یافته‌ها

##### ۴-۱. توصیف متغیرها<sup>۱</sup>

متغیرهای مستقل زمینه‌ای: به طور کلی ۴۳ درصد دانشجویان نمونه تحقیق زن و ۵۷ درصد مرد هستند. ۶۴ درصد پاسخگویان دارای قومیت فارس و ۳۶ درصد از آن‌ها دارای قومیت‌های دیگر می‌باشند. از این میان ۱۶ درصد ترک، ۹/۵ درصد کرد، ۶/۵ درصد لر، ۱/۵ درصد عرب، ۱ درصد بلوچ، و ۰/۶ درصد ترکمن بوده‌اند.

از نظر محل سکونت ۲۰ درصد پاسخگویان ساکن تهران، ۳۶ درصد ساکن مراکز استان‌ها (و یا سایر شهرهای اصلی و توسعه‌یافته) و ۴۴ درصد ساکن شهرهای کوچک و کمتر توسعه‌یافته بوده‌اند. از نظر پایگاه اقتصادی اجتماعی ۵۳ درصد از پاسخگویان دارای خانواده‌های سطح متوسط و ۳۴ درصد دارای خانواده سطح پایین می‌باشند و فقط ۱۳ درصد آن‌ها دارای خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا بوده‌اند.

متغیرهای مستقل گرایش: از نظر متغیرهایی که بازنمای گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی پاسخگویان هستند، وضعیت نمونه تحقیق به ترتیب زیر می‌باشد.

بر اساس سنجه دینداری در این تحقیق، کمتر از ۱۰ درصد جمعیت دارای دینداری ضعیف، ۱۲ درصد دارای دینداری متوسط و ۷۸ درصد دارای دینداری قوی هستند. از نظر مدارای فکری نیز ۲۹ درصد افراد نمونه مدارای کم، ۳۲ درصد مدارای متوسط و ۴۰ درصد مدارای زیاد دارند. از جهت گرایش‌های سیاسی ۱۰ درصد از پاسخگویان هوادار گروه‌های سیاسی محافظه‌کار یا اصول‌گرا و ۳۷ درصد هوادار گروه‌های اصلاح‌گرا هستند، ۵۳ درصد از پاسخگویان نیز در این مورد موضع خود را مشخص نکرده‌اند.

متغیر وابسته: اطلاعات این قسمت که شامل عناصر تشکیل‌دهنده شاخص برابری‌گرایی جنسیتی است در سه دسته زیر قابل تفکیک می‌باشد:

- برابری جنسیتی در انجام دادن کارهای خانه،
- برابری جنسیتی در داشتن حق انتخاب همسر و پایان دادن به زندگی زناشویی،

۱. به منظور جلوگیری از اطاله مطالب، جداول توصیفی خصوصیات جمعیتی و گرایش‌های پاسخگویان در جدول پیوست ۱ ارائه شده است.

– برابری جنسیتی در عرصه‌های مختلف فعالیت اجتماعی.  
اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد که پاسخگویان در مورد نقش زن و مرد در تقسیم کارهای خانه یا برابری‌گرایی جنسیتی در نقش‌های خانگی چگونه می‌اندیشند. اطلاعات جدول ۱ را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه نمود:  
– کارهایی که از نظر اکثر یا بخش قابل توجهی از پاسخگویان انجام دادن آن‌ها عمدتاً جزء وظایف زنان می‌باشد عبارتند از پخت و پز، تمیز کردن خانه، نگهداری بچه و شست‌وشوی ظرف و لباس.  
– پاسخگویان تعمیر لوازم منزل، خرید مایحتاج منزل و تصمیم‌گیری در مورد بودجه را عمدتاً کارهایی مردانه تلقی می‌کنند.  
– از نظر بیش از نیمی از پاسخگویان اکثر فعالیت‌ها (به استثنای پخت و پز، تمیز کردن خانه و تعمیر لوازم منزل) باید با مشارکت مرد و زن انجام شود. در این بین، تصمیم‌گیری در مورد بودجه و تغییر دکور منزل از جمله کارهایی است که بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان آن‌ها را وظیفه مشترک زن و مرد تلقی کرده‌اند.

جدول شماره ۱. به نظر شما بهتر است در خانه کارهای زیر چگونه بین زن و شوهر تقسیم شود (تعداد = ۱۵۲۲)

تعداد معتبر	طبقات پاسخ‌ها			کارها
	هر دو	عمدتاً مردان	عمدتاً زنان	
۱۵۰۰	۲۶/۹	۰/۵	۷۲/۶	۱. پخت و پز
۱۴۹۶	۴۶/۳	۱/۳	۵۲/۵	۲. تمیز کردن خانه
۱۴۹۹	۵۱/۶	۱/۱	۴۷/۳	۳. نشستن ظرف
۱۴۹۷	۵۵/۰	۰/۵	۴۴/۵	۴. نگهداری بچه
۱۴۹۷	۵۵/۶	۱/۱	۴۳/۳	۵. شستن لباس
۱۴۴۷	۷۰/۸	۱/۵	۲۷/۷	۶. تصمیم‌گیری در مورد دکوراسیون
۱۴۸۹	۸۱/۷	۱۲/۸	۵/۴	۷. تصمیم‌گیری در مورد بودجه
۱۴۸۷	۲۶/۰	۷۱/۰	۳/۰	۸. تعمیر لوازم منزل
۱۵۰۰	۵۸/۳	۳۹/۷	۲/۱	۹. خرید مایحتاج

در مجموع، دیدگاه دانشجویان در مورد نحوه تقسیم کار میان زنان و مردان در انجام دادن امور خانه با دیدگاه‌های سنتی مرسوم در این زمینه که نقش‌های خانه‌داری را به زنان و نقش‌های

اقتصادی و فنی را به مردان نسبت می‌دهد تا حدی مطابقت دارد. این تطابق به‌خصوص در مورد پخت و پز و تعمیر لوازم منزل بسیار مشهود است. با وجود این، دیدگاه‌های جدید برابری‌گرا هم تا حد زیادی در میان آن‌ها دیده می‌شود. به‌طوری‌که کارهایی مثل تمیز کردن خانه، شستن ظرف و لباس و نگهداری بچه که در نظام تقسیم کار سنتی ویژه زنان است، از نظر حدود نیمی از دانشجویان باید به‌صورت مشترک توسط زن و مرد انجام شود.

اطلاعات جدول ۲ نظر پاسخگویان را در مورد جنبه‌ای دیگر از برابری‌گرایی جنسیتی یعنی فاعلیت زنان را در آغاز و فسخ ازدواج منعکس می‌سازد.

جدول شماره ۲. نگرش پاسخگویان در مورد نقش زنان در آغاز و پایان دادن به زندگی زناشویی (تعداد پاسخگو = ۱۵۲۲)

موضوع	موافق	نمی‌دانم/ به‌طور مشروط	مخالف	تعداد معتبر
۱. بلامانع بودن خواستگاری زنان از مردان	۳۸	۴۶/۸	۱۵/۲	۱۴۹۲
۲. تصویب قانون حق طلاق برای زنان به‌عنوان شرط ضمن عقد	۶۰/۳	۲۹/۷	۱۰/۰	۱۴۹۷

در جامعه ایران براساس یک عرف جاافتاده، تقاضای ازدواج اغلب از سوی مرد به زن پیشنهاد می‌شود. پرسش اول دیدگاه دانشجویان را در مورد تغییر این رویه منعکس می‌سازد و نشان می‌دهد که آنان تا چه اندازه اعتقاد دارند که زنان می‌توانند در پیشنهاد ازدواج و آغاز زندگی زناشویی پیشگام باشند. علاوه بر این، در نظام حقوقی و عرف دینی و تا حدودی اجتماعی ایران حق طلاق جزء حقوق مردان می‌باشد<sup>۱</sup>. سؤال دوم دیدگاه پاسخگویان را در مورد تغییر این شرایط در جهت مجاز دانستن زنان در زمینه طلاق و فسخ ازدواج ارزیابی می‌کند.

اطلاعات به‌دست آمده حاکی از آن است که در مجموع ۳۸ درصد پاسخگویان موافق خواستگاری زنان از مردان هستند، در حالی‌که میزان موافقت دانشجویان با این‌که زنان در اقدام به طلاق مجاز باشند ۲۲ درصد بیشتر است و به حدود ۶۰ درصد می‌رسد. این امر حاکی از آن است که از نظر پاسخگویان برخورداری زنان از حق پایان دادن به زندگی مشترک در شرایط دشوار، در مقایسه با موضوع پیشگام بودن آن‌ها در امر ازدواج، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۱. به موجب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی حق طلاق جزء حقوق مردان می‌باشد (علوی قزوینی، ۱۳۸۴: ۷).

احتمال دارد این واقعیت به این ترتیب قابل تبیین باشد که در جامعه ایران پیشگام بودن مردان در پیشنهاد ازدواج اساساً نماد بی‌عدالتی یا نابرابری تلقی نمی‌شود. بلکه این رویه حتی می‌تواند یک نوع حرمت گذاشتن به زن تلقی شود. از این رو از نظر دانشجویان این الگوی سنتی که مرد پیشنهاددهنده ازدواج باشد، چندان مسئله‌آفرین نیست و تغییر آن را ضروری نمی‌داند. اما از آن‌جا که طلاق فرصتی برای رهایی از شرایط ناهماهنگ و دشوار زندگی مشترک است میزان قابل توجهی (۶۰٪) از پاسخگویان نسبت به برخورداری زنان از چنین حقی نظر مثبت دارند.

جدول شماره ۳. برخورداری زنان از امکان داشتن فعالیت‌های اجتماعی برابر با مردان  
(تعداد = ۱۵۲۲)

گویه‌ها	موافق	بینابین/مشروط	مخالف	تعداد معتبر
۱. زنان همانند مردان باید بتوانند در رشته‌های ورزشی مورد علاقه خود فعالیت کنند.	۸۰/۰	۹/۹	۱۰/۱	۱۵۰۰
۲. اشکالی ندارد که درآمد زن بیش از درآمد شوهرش باشد.	۶۶/۶	۱۵/۶	۱۷/۷	۱۴۹۵
۳. زنان بیشتری باید در عرصه سیاست وارد شوند.	۶۱/۹	۲۶/۲	۱۱/۹	۱۴۹۳
۴. حضور زنان به‌عنوان تماشاچی مسابقات ورزشی به عفت عمومی لطمه‌ای نمی‌زند.	۵۸/۳	۱۷/۸	۲۳/۹	۱۴۹۶
۵. کار بیرون از منزل برای زنان بچه‌دار اشکالی ندارد.	۵۵/۰	۲۲/۵	۲۰/۵	۱۴۹۶
۶. زنان باید بتوانند همانند مردان قاضی شوند.	۲۵/۴	۵۰/۶	۲۴/۰	۱۴۶۷

مقولات مطرح شده در جدول ۳ شامل نگرش پاسخگویان نسبت به فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همانند مردان است. عبارات مربوطه براساس بیشترین میزان موافقت از زیاد به کم تنظیم شده است.

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، بیشترین میزان موافقت (۸۰٪) مربوط به عبارتی است که زنان را همانند مردان در انجام دادن فعالیت‌های ورزشی که تأمین‌کننده تندرستی، احساس نشاط و سرزندگی است مجاز می‌داند. بهره‌مندی از استقلال اقتصادی در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد، ۶۷ درصد از پاسخگویان نه تنها شاغل بودن و صاحب درآمد بودن زنان را مجاز دانسته‌اند بلکه فراتر از الگوی متعارف که بر ضرورت برتری قدرت اقتصادی مرد بر زن تأکید دارد، فزونی درآمد زن بر شوهر را بلامانع دانسته‌اند. سومین عامل که از میزان بالایی از

موافقت برخوردار بوده مشارکت در امور سیاسی است. به طور کلی، ۶۲ درصد از پاسخگویان با مشارکت سیاسی زنان در حد زیادی موافق هستند. در واقع امروزه مداخله در سیاست دیگر امری صرفاً مردانه محسوب نمی‌شود.

بر اساس قوانین قضایی<sup>۱</sup> و نیز عرف دینی و تا حدودی اجتماعی ایران، زنان اجازه تصدی در امر قضاوت را ندارند. طی چند سال اخیر این موضوع از جانب افرادی که طرفدار برابری جنسیتی هستند به کانون منازعه فکری تبدیل شده است، به این منظور دیدگاه دانشجویان در خصوص قاضی شدن زنان مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس اطلاعات جدول ۳، تصدی زنان در امر قضاوت از جمله فعالیت‌هایی است که تنوع نظر دانشجویان درباره آن نسبتاً زیاد است. نسبت موافقان و مخالفان قضاوت زنان تقریباً برابر و حدود ۲۵ درصد است. نیم دیگر پاسخگویان فقط در شرایط خاصی زنان را شایسته قضاوت دانسته‌اند.

در جدول ۴ پراکندگی نظر پاسخگویان در ارتباط با شاخص‌های برابری‌گرایی جنسیتی، که نحوه محاسبه آن‌ها در قسمت روش‌شناسی توضیح داده شد، گزارش شده است. اطلاعات این جدول در بردارنده چند نکته اساسی است که به ترتیب زیر به آن اشاره می‌شود:

جدول شماره ۴. مقایسه شاخص‌های مختلف برابری‌گرایی جنسیتی بین زنان و مردان

(تعداد = ۱۵۲۲)

تعداد	برابری‌گرایی جنسیتی			جنسیت	شاخص‌ها
	زیاد	متوسط	کم		
۶۰۵	۴۰/۰	۳۸/۰	۲۲/۰	زن	شاخص گرایش به برابری در انجام دادن کارهای خانه Alpha = ۰/۷۰
۸۱۵	۲۰/۰	۳۹/۰	۴۱/۰	مرد	
۱۴۸۸	۲۸/۴	۳۸/۲	۳۲/۴	کل	
۵۷۰	۶۰/۵	۳۸/۲	۱/۲	زن	شاخص گرایش به برابری در عرصه اجتماع Alpha = ۰/۶۷
۷۷۹	۴۱/۳	۲۵/۵	۶/۲	مرد	
۱۴۰۷	۴۹/۰	۴۷/۰	۴/۰	کل	
۱۳۹۳	۳۷/۰	۵۵/۰	۸/۰	کل	شاخص کلی برابری‌گرایی جنسیتی Alpha = ۰/۸۳

۱. مطابق قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری سال ۱۳۶۱. قضات از بین مردان واجد شرایط انتخاب می‌شوند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

– در هر دو شاخص برابری در انجام دادن کارهای خانه و برابری در عرصه اجتماع، میزان گرایش قوی در بین زنان ۲۰ درصد بیش از مردان است.

– مقایسه ارقام سطر سوم و ششم که شاخص برابری در انجام دادن وظایف خانگی و در عرصه اجتماع را برای کل جمعیت گزارش می‌کند، نشان می‌دهد که در مجموع میزان موافقت با برابری در عرصه اجتماع بیشتر از میزان موافقت با برابری زنان و مردان در انجام دادن وظایف خانگی است. در حالی که حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان در حد زیادی موافق برخورداری زنان از موقعیت‌های اجتماعی مشابه مردان هستند، اما این تمایل تساوی طلبانه در مورد انجام دادن کارهای خانه به نصف کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، از نظر دانشجویان انجام دادن کارهای خانه به استثنای مواردی خاص بیشتر فعلیتی زنانه است. در این شرایط زنانی که علاقه‌مند فعالیت‌های اجتماعی هستند همواره با دو نوع انتظار نقشی متفاوت و فشار حاصل از هماهنگی میان آن دو مواجه هستند.

– ضعیف‌تر بودن گرایش به برابری در انجام دادن وظایف خانه همچنین بیانگر آن است که هرچند که دانشجویان افرادی نوگرا هستند و از این‌رو تحت تأثیر رویکردهای برابری‌گرایانه می‌باشند، اما مؤلفه‌های فرهنگ سنتی نیز در نظام شخصیتی آنان فعال است. از این‌رو آنان با مؤلفه‌های فکری برابری طلبانه به شیوه‌ای گزینشی برخورد می‌کنند.

– مقایسه ارقام سطر آخر یعنی شاخص کل برابری طلبی جنسیتی بیانگر آن است که ۵۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط و ۳۸ درصد در حد زیاد به برابری جنسیتی گرایش دارند. در واقع ۹۲ درصد از دانشجویان در حد قابل توجهی طرفدار برابری جنسیتی هستند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲. بررسی روابط میان متغیرها

جدول شماره ۵ و ۶ رابطه میان دو گروه از متغیرهای مستقل را با شاخص برابری طلبی جنسیتی آزمون می‌کند. گروه اول شامل خصوصیات عمدتاً غیراقتصادی مانند جنس، قومیت، پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده و محل سکونت است. دسته دوم شامل عوامل اکتسابی یعنی گرایش‌های فرهنگی اجتماعی است.

۱. شاخص کل برابری طلبی جنسیتی در محاسبات بعدی گاهی به صورت یک متغیر فاصله‌ای (با دامنه تغییرات ۱۶-۴۹) و گاهی به صورت یک متغیر ترتیبی (گرایش ضعیف، متوسط و قوی) مورد استفاده قرار خواهد گرفت.



جدول ۵. بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای و برابری طلبی جنسیتی (تعداد = ۱۵۲۲)

میزان همبستگی	شاخص برابری گرای جنسیتی %				طبقات	خصوصیات پاسخگویان
	تعداد	قوی	متوسط	ضعیف		
V = ۰/۲۶ ***	۵۶۵	۵۱/۷	۴۵/۳	۳/۰	زن	جنس
	۷۷۰	۲۷/۴	۶۱/۳	۱۱/۳	مرد	
V = ۰/۰۵	۸۲۴	۳۹/۲	۵۳/۲	۷/۶	فارس	قومیت
	۲۰۹	۲۸/۸	۵۷/۴	۴/۸	ترک	
	۲۵۵	۳۱/۴	۵۸/۸	۹/۸	سایر اقوام	
r = ۰/۲۶ ***	۳۶۴	۲۶/۴	۶۱/۳	۱۲/۴	پایین	پایگاه اقتصادی اجتماعی
	۵۵۸	۴۰/۵	۵۲/۳	۷/۲	متوسط	
	۱۳۱	۵۵/۰	۴۳/۵	۱/۵	بالا	
tau-b = ۰/۱۳ ***	۵۲۵	۳۰/۴	۶۰/۶	۹/۰	شهرهای کمتر توسعه یافته	محل سکونت
	۴۲۵	۴۰/۵	۵۳/۲	۶/۴	مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ	
	۲۲۹	۴۶/۷	۴۷/۶	۵/۷	تهران	

\*\*\* یا احتمال خطای کمتر از ۰/۰۰۱ معنی دار است.

اطلاعات جدول ۵ به صورت زیر قابل تحلیل است:

جنس و برابری طلبی جنسیتی: گرایش به برابری جنسی در بین زنان و مردان به طور معناداری متفاوت است. میزان گرایش قوی در بین زنان ۵۲ درصد و تقریباً دو برابر گرایش قوی در مردان است. از آنجا که مساوات جنسیتی فرصت‌های بیشتری را برای زنان فراهم می‌آورد بدیهی است که چنین گرایشی در بین آنان از مقبولیت بیشتری برخوردار باشد. اما برای مردان اعتقاد به برابری جنسیتی معادل تقسیم قدرت، منافع و امتیازات می‌باشد، بنابراین طبیعی است که میزان موافقت آن‌ها با این دیدگاه کمتر از میزان موافقت زنان باشد. با وجود این، تأثیرپذیری دانشجویان از دیدگاه‌های برابری‌گرا و قرار داشتن در موقعیت منزلی برابر با زنان از نظر نقش فعلی دانشجویی آن‌ها باعث شده که گرایش ضعیف به برابری جنسیتی حتی در بین مردان دانشجو هم اندک (۱۱ درصد) باشد.

قومیت و برابری طلبی جنسیتی: قومیت پاسخگویان با برابری‌گرایی جنسیتی آن‌ها رابطه

ندارد. این واقعیت احتمالاً بدان معنا است که گرایش‌های مساوات‌طلبانه از خرده‌فرهنگ قومی پاسخگویان تأثیر نمی‌پذیرد، یا این قبیل گرایش‌ها در بین همه اقوام ایرانی تقریباً به یک میزان اشاعه دارد. به عبارت دیگر، قومیت نه از جهت ساختارهای ذهنی و نه ساختارهای اقتصادی اجتماعی تفاوت زیادی را ایجاد نمی‌کند که بتواند موجب تفاوت در نگرش‌های جنسیتی شود.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی و برابری طلبی جنسیتی: بین دو متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و برابری‌گرایی جنسیتی رابطه‌ای معنادار و مستقیم وجود دارد. در واقع افرادی که از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتری برخوردار هستند حدود ۳۰ درصد بیشتر از افرادی که به پایگاه پایین‌تر تعلق دارند دارای نگرش‌های برابری‌طلبانه جنسیتی قوی می‌باشند.

در مورد دلیل فزونی گرایش‌های برابری‌طلبانه در بین افراد متعلق به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا می‌توان این گمانه را مطرح نمود که جریان فکری طرفداری از حقوق زنان، عمدتاً از افکار جدیدی است که در اثر ارتباط و آشنایی با غرب وارد جامعه ایران شده است. افرادی که از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا برخوردار هستند به‌خاطر بیشتر بودن درآمد و تحصیلات‌شان و نوع خرده‌فرهنگ خاصی که به آن تعلق دارند همچنین به واسطه سفرهای بیشتر به خارج از کشور و استفاده از رسانه‌های بین‌المللی عمدتاً پیش و بیش از سایر اقشار در معرض این نوع جریان‌های فکری قرار می‌گیرند و از آن تأثیر می‌پذیرند، به‌علاوه برابری‌گرایی جنسیتی در موقعیت‌هایی که زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی حضور بیشتری دارند بیشتر است. افراد دارای پایگاه بالاتر بیشتر در معرض چنین موقعیت‌هایی هستند، در نتیجه گرایش به برابری جنسیتی در میان آنان بیشتر است.

محل سکونت و برابری طلبی جنسیتی: اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد که بین منطقه سکونت و نگرش‌های برابری‌طلبانه جنسیتی رابطه مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر، افرادی که در مناطق توسعه‌یافته‌تر زندگی می‌کنند، دارای گرایش‌های برابری طلبی قوی‌تری هستند، به طوری که برابری‌گرایی جنسیتی قوی در میان دانشجویان ساکن تهران ۱۶ درصد بیش از دانشجویان شهرستان‌های کوچک است. رابطه بین محل سکونت و برابری‌گرایی جنسیتی را می‌توان همانند رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و برابری‌گرایی جنسیتی تبیین کرد.

در جدول ۶ رابطه برخی عوامل فرهنگی اجتماعی با برابری طلبی جنسیتی نشان داده شده است.

جدول شماره ۶. بررسی رابطه متغیرهای گرایشی و شاخص برابری طلبی جنسیتی (تعداد = ۱۵۲۲)

میزان همبستگی	شاخص برابری گرای جنسیتی %				طبقات	متغیرهای مستقل
	تعداد	قوی	متوسط	ضعیف		
$r = -.25$ ***	۲۰	۷۳/۷	۲۶/۳	-	ضعیف	دینداری
	۲۴۸	۴۷/۲	۴۸/۸	۴/۰	متوسط	
	۹۳۴	۳۳/۰	۵۷/۶	۹/۴	قوی	
$r = ۰.۱۹$ ***	۲۳۵	۲۷/۰	۶۳/۰	۱۰/۰	ضعیف	شاخص مدارای فکری
	۲۸۳	۳۶/۰	۵۷/۰	۷/۰	متوسط	
	۴۶۰	۴۸/۰	۴۶/۵	۵/۵	قوی	
$V = ۰.۱۱$ ***	۱۵۹	۲۲/۵	۶۳/۰	۱۴/۵	محافظه کار	گرایش سیاسی
	۵۶۲	۴۰/۰	۵۵/۰	۵/۰	اصلاح طلب	
	۴۳۶	۳۸/۳	۵۳/۲	۸/۵	هیچ کدام	

\*\*\* با احتمال خطای کمتر از ۰/۰۰۱ معنی دار است.

دینداری و برابری طلبی جنسیتی: در سطح نمونه تحقیق میان دینداری و برابری گرای جنسیتی رابطه‌ای معنادار و غیرمستقیم وجود دارد. در واقع هرچه بر میزان پایبندی دینی افزوده شده از شدت گرایش به برابری جنسیتی کاسته شده است. گرایش قوی به برابری جنسیتی در بین افرادی که دینداری شان ضعیف است ۷۴ درصد می باشد، در حالی که این نسبت در بین افرادی که در سطح بالایی از پایبندی دینی طبقه بندی شده اند ۵۰ درصد کمتر یعنی ۳۳ درصد می باشد. یکی از دلایل احتمالی که می توان برای این امر برشمرد این است که در ایران بخش قابل ملاحظه‌ای از حقوق زن و جایگاه او در جامعه تحت تأثیر آموزه‌های مذهبی تعریف می شود. اگرچه دین در بنیان خود تعارضی با اصل عدالت و برخورداری زنان از حقوق اجتماعی ندارد اما تعبیر و تفاسیر سنتی از دین معمولاً بازنمای شرایط جوامع سنتی است و در ارتباط با موضوعاتی مانند روابط زن و مرد یا نظام تقسیم کار جنسیتی سنتی که مردسالارانه است هماهنگ تر می باشد. از این رو افرادی که به طور معمول تحت تأثیر این نوع آموزه‌های مذهبی تربیت شده اند با برابری دو جنس کمتر موافق هستند. از طرف دیگر، در حال حاضر مقیاس های سنجش دینداری اغلب براساس تعهد به همان آموزه های دینی سنتی تنظیم شده و کمتر قابلیت آن را دارد که شیوه و سبک های متنوع دینداری را ارزیابی نماید. بنابراین احتمال دارد با

کنترل سبک‌های مختلف دینداری نتایج متفاوتی حاصل شود.

مدارای فکری و برابری طلبی جنسیتی: بین مدارای فکری و برابری‌گرایی جنسیتی رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد. به این معنا که با افزایش مدارای فکری نگرش‌های برابری‌طلبانه بیشتر می‌شود. پاسخگویانی که میزان مدارای فکری‌شان زیاد است ۲۰ درصد بیش از افرادی که میزان مدارای فکری‌شان ضعیف است برابری‌گرا هستند. به نظر می‌رسد موافقت با برابری جنسیتی یک ویژگی هم‌سو و هم‌جهت با مدارای فکری است. زیرا اگر متعهد بودن به مدارای فکری ملازم این باشد که افراد مخالف هم بتوانند دیدگاه‌ها و نظرات خود را ابراز نمایند، در این صورت این اندیشه برابری‌طلبی می‌تواند به بهره‌مندی زنان از فرصت‌های اجتماعی برابر نیز گسترش یابد.

گرایش سیاسی و برابری‌طلبی جنسیتی: همان‌طور که قبلاً در بخش تعریف متغیرها اشاره شد، براساس یک تقسیم‌بندی کلی و اجمالی گرایش‌های سیاسی فعال در جامعه ایران در دو مجموعه کلی یعنی گروه‌های منتسب به اصول‌گرایان (یا محافظه‌کاران) و اصلاح‌طلبان قابل طبقه‌بندی است. با توجه به این‌که اصلاح‌طلبان نوعاً طرفدار تفسیرهای دینی نوگرا بوده و مدافع دیدگاه‌های جدید در عرصه سیاست و اجتماع می‌باشند، انتظار می‌رود به نگرش‌های جنسیتی برابری‌گرا هم بیش از اصول‌گرایان یا محافظه‌کاران تمایل داشته باشند. یافته‌های جدول ۶ مؤید این نظر است، به طوری که دانشجویان هوادار گروه‌های اصلاح‌طلب که دارای برابری‌گرایی جنسیتی قوی هستند حدود ۲۰ درصد بیشتر از دانشجویان هوادار گروه‌های محافظه‌کار یا اصول‌گرا هستند.

به‌طورکلی، یافته‌ها و تحلیل‌های آماری جدول ۶ و ۵ فرضیات اصلی تحقیق را تأیید می‌کند. برابری‌گرایی جنسیتی با زن بودن، عضویت در پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، سکونت در مناطق توسعه یافته‌تر، برخورداری از مدارای فکری و گرایش سیاسی اصلاح‌طلبانه رابطه مستقیم معنادار و با دینداری رابطه معکوس معنادار دارد.

در ادامه، به منظور تشخیص اثر هم‌زمان کلیه متغیرهای مستقل بر برابری‌گرایی جنسیتی، از روش تحلیلی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. اطلاعات جدول ۷ نشان می‌دهد که از بین ۶ متغیر مستقل ۵ مورد از آن‌ها در مجموع می‌توانند ۲۲ درصد از تغییرات برابری‌طلبی جنسیتی را تبیین نمایند. مقایسه ضرایب رگرسیونی استاندارد حاکی از آن است که جنس بیشترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارد.

علامت منفی ضریب رگرسیون در متغیر جنس به این معنا است که احتمال برابری‌طلبی جنسی زنان نسبت به مردان ۰/۲۷ بیشتر است.

جدول شماره ۷. محاسبه رگرسیون چند متغیره با روش Stepwise برای بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر برابری طلبی جنسیتی (تعداد = ۱۵۲۲)

سطح معناداری	ضریب رگرسیونی استاندارد (بتا)	متغیرهای مستقل	
۰/۰۰۰	-۰/۲۷	جنس <sup>۱</sup>	متغیرهای داخل معادله
۰/۰۰۰	-۰/۲۴	دین داری	
۰/۰۰۶	۰/۱۲	گرایش سیاسی <sup>۲</sup> اصول گرا/اصلاح طلب	
۰/۰۰۱	۰/۱۰	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	
۰/۰۴۷	۰/۱۰	مدارای فکری	
-	۰/۲۲	R Square	
۰/۰۰۰	۲۴	F	
۰/۲۵۱	۰/۰۵	محل سکونت	متغیر خارج از معادله

در مرحله دوم متغیر دینداری دارای بزرگترین ضریب رگرسیونی معنادار و منفی است. پایگاه اقتصادی-اجتماعی در رتبه سوم قرار دارد. گرایش سیاسی (اصول گرا و اصلاح طلب) چهارمین متغیر پیش بینی کننده برابری طلبی جنسیتی است و نشان می دهد که احتمال برابری طلبی جنسیتی اصلاح گرایان در مقایسه با اصول گرایان ۰/۱۲ بیشتر است. آخرین متغیری که وارد معادله رگرسیون شده متغیر مدارای فکری است.

احتمالاً عدم ورود شهر محل سکونت تا حدی تحت تأثیر همبستگی متقابل متغیرهای مستقل با یکدیگر باشد<sup>۳</sup> این وضعیت می تواند وزن متغیرها در معادله رگرسیون را تحت تأثیر قرار دهد و موجب عدم ورود یک متغیر شود.

۱. جنسین به صورت یک متغیر تصنعی در نظر گرفته شده که در آن به زن کد صفر و به مرد کد ۱ داده شده است.

۲. از آن جا که متغیر گرایش سیاسی یک متغیر اسمی است، به منظور ورود این متغیر در محاسبه رگرسیون نحوه کدگذاری آن به صورتی که به یک متغیر تصنعی تبدیل شود تغییر یافت. به این معنا که اطلاعات مفقوده و پاسخ های هیچ کدام از محاسبه بیرون گذاشته شد. برای طرفداری از گروه های اصول گرا کد صفر و برای طرفداری از گروه های اصلاح طلب کد ۱ در نظر گرفته شد.

۳. به منظور توضیح بیشتر به جدول پیوست ۲ مراجعه شود.

آخرین فرضیه مطرح شده به این ترتیب بود که تفاوت زنان و مردان در برابری طلبی جنسیتی براساس موقعیت‌های اجتماعی مختلف آن‌ها متفاوت است. در واقع انتظار می‌رود تفاوت زنان و مردان در افراد متعلق به پایگاه بالا، ساکنان شهرهای بزرگ‌تر و توسعه یافته‌تر بیشتر؛ و متقابلاً تفاوت نگرش جنسیتی زنان و مردان در افراد متعلق به پایگاه پایین، ساکنان شهرهای کوچک‌تر و کمتر توسعه یافته ضعیف‌تر باشد.

جدول شماره ۸. مقایسه میانگین شاخص گرایش به برابری جنسیتی به تفکیک دو جنس براساس متغیرهای مستقل (تعداد = ۱۵۲۲)

معناداری تفاوت میانگین‌ها	میانگین شاخص برابری‌گرایی جنسیتی			متغیرهای مستقل و طبقات آن‌ها	
	تفاوت میانگین مردان از زنان	مرد	زن	کل	
	۲/۵	۳۴/۰	۳۷/۵		
$F = ۳۴^{***}$	۴	۳۲	۳۶	پایین	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
$F = ۱۶^{***}$	۳	۳۴	۳۷	متوسط	
$F = ۵/۸^{***}$	۴	۳۶	۴۰	بالا	
$F = ۶^{***}$	۳	۳۳	۳۶	شهرهای کوچک	محل سکونت
$F = ۱۱^{***}$	۲	۳۵	۳۷	مراکز استان‌ها	
$F = ۳۱^{***}$	۴	۳۴	۳۸	تهران	

به‌منظور آزمون این فرضیه لازم است رابطه میان متغیرهای مستقل و برابری طلبی جنسیتی در دو گروه زنان و مردان مقایسه شود. بنابراین جنس به‌عنوان یک متغیر مستقل و سایر متغیرها به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده<sup>۱</sup> به‌حساب می‌آیند و اثر آن‌ها بر نگرش جنسیتی آزمون می‌شود. به این منظور در جدول ۸ میانگین شاخص برابری طلبی جنسیتی زنان و مردان در طبقات مختلف دو متغیر مستقل موقعیتی به‌طور جداگانه مقایسه شده است.<sup>۲</sup>

نتایج به‌دست آمده به ترتیب زیر قابل جمع‌بندی است:

– در مجموع میانگین برابری‌گرایی جنسیتی زنان در بین همه طبقات متغیرهای مستقل از

### 1. Moderator

۲. محاسبات جدول ۶ با استفاده از برنامه Answer Tree انجام شده است. این برنامه که با برنامه SPSS سازگار است از چنان قابلیت‌های برخوردار است که میانگین یک متغیر را براساس طبقات متغیر دیگر برای دو گروه جنسی متفاوت محاسبه می‌کند و معناداری میانگین‌ها را گزارش می‌دهد.

میانگین برابری‌طلبی جنسیتی مردان بیشتر است، این تفاوت از ۲ تا ۴ واحد در نوسان می‌باشد. با وجود این، همان‌طور که در ستون ۵ جدول مشاهده می‌شود، تفاوت میانگین نمرهٔ مردان و زنان در برابری‌گرایی جنسیتی در طبقات مختلف متغیرهای مستقل تقریباً یکسان است.

مردان و زنانی که در پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی متفاوت عضویت دارند و مردان و زنانی که در تهران و شهرهای اصلی و بزرگ و شهرهای توسعه‌نیافته‌تر سکونت دارند از نظر برابری‌طلبی جنسیتی با هم متفاوت هستند. این یافته اطلاعات جدول ۵ را مبنی بر این‌که گرایش قوی به برابری‌گرایی جنسیتی در بین زنان ۲۴ درصد بیشتر از مردان است، تأیید می‌کند. این تفاوت سوی‌گیری احتمالاً از نحوهٔ جامعه‌پذیری مردان که به پذیرش تفکیک جنسیتی منتهی می‌شود و همچنین از محاسبهٔ منافع و هزینه‌های حاصل از سهم شدن زنان در منابع ناشی می‌شود. از آن‌جا که در جامعه کانون‌های قدرت اغلب در تصرف مردان می‌باشد بنابراین گرایش‌های برابری‌گرا تا زمانی که از جانب مردان مورد پذیرش قرار نگیرد نمی‌تواند به یک تغییر اساسی در شرایط زنان تبدیل شود.

### ۵. خلاصه و نتیجه‌گیری

این مقاله با این فرض که تحولات اقتصادی-اجتماعی معاصر نظام تقسیم نقش‌های جنسیتی را تغییر داده است و برتری سنتی نقش‌های مردان را به چالش کشیده است، اثر برخی متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی بر برابری‌گرایی جنسیتی را در بین نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران بررسی نموده است.

یافته‌های توصیفی حاکی از آن است که هرچند بخش قابل توجهی از دانشجویان دارای دیدگاه‌های برابری‌گرا هستند در عین حال در برخی زمینه‌ها دیدگاه‌های سنتی تقسیم نقش‌های جنسیتی هنوز پابرجا است. برای مثال در حالی که کارهایی مثل نگهداری از بچه و نظافت که در نظام تقسیم کار سنتی ویژه زنان محسوب می‌شد، از نظر حدود نیمی از دانشجویان این قبیل فعالیت‌ها باید به صورت مشترک توسط زن و مرد انجام شود، بیش از دو سوم پاسخگویان پخت و پز را کاری زنانه و تعمیر لوازم منزل را کاری مردانه می‌دانند.

در تقسیم نقش‌های اجتماعی دانشجویان بیش از تقسیم نقش‌های خانگی برابری‌گرا هستند، به طوری که بیش از نیمی تا سه‌چهارم پاسخگویان با همه عبارت‌های ناظر به فعالیت اجتماعی زنان موافق بوده‌اند. تنها استثنا به تصدی زنان در امر قضاوت مربوط است که فقط یک‌چهارم با آن موافق و به همین میزان مخالف بوده‌اند.

در مجموع، گرایش به الگوی جدید و برابری‌گرایانه جنسیتی در بسیاری از زمینه‌ها، و

گرایش به نظام تقسیم نقش جنسیتی سنتی در برخی دیگر ناشی از موقعیت دانشجویان است. دانشجویان از یک سو از فرهنگ غالب سنتی جامعه و به خصوص جلوه‌های آن در شبکه خانوادگی و نیز آموزه‌های دینی متأثر هستند، و از طرف دیگر با جریان‌های فکری جدید برابری‌گرا در محیط دانشگاه برخورد دارند. از طرف دیگر، حضور زنان دانشجو در فعالیت‌های بیرون از خانه (امروز تحصیل و فردا اشتغال) آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که اعمال نظام تقسیم کار سنتی عملاً برای آن‌ها به راحتی امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، حدود نیمی از دانشجویان به نظام تقسیم کار برابری‌گرا گرایش دارند. تأثیرپذیری دانشجویان از دیدگاه‌های برابری‌گرا و قرار داشتن در موقعیت منزلتی برابر با زنان از نظر نقش فعلی دانشجویی آن‌ها باعث شده که گرایش ضعیف به برابری جنسیتی حتی در بین مردان دانشجو هم اندک (۱۱ درصد) باشد.

نکته قابل توجه دیگر تفاوت برابری‌گرایی جنسیتی در نقش‌های خانگی و نقش‌های اجتماعی است. براساس سنجه‌های مورد استفاده، در حالی که حدود نیمی از پاسخگویان در حد زیادی موافق برخورداری زنان از موقعیت‌های اجتماعی مشابه مردان هستند، فقط حدود یک‌چهارم در انجام دادن نقش‌های خانگی برابری‌گرا هستند. به عبارت دیگر، از نظر بخش قابل توجهی از دانشجویان انجام دادن کارهای خانه به استثنای مواردی خاص بیشتر فعالیتی زنانه است. در این شرایط زنانی که وارد فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند همواره با دو نوع انتظار نقشی متفاوت و فشار حاصل از هماهنگی میان آن دو مواجه هستند. در چنین شرایطی بار مسئولیت زنان شاغل در عرصه اجتماع دوچندان می‌شود.

یافته‌های این مقاله دربارهٔ عدم هماهنگی برابری‌گرایی جنسیتی در خانه و اجتماع با یافته‌های چانگ (۱۹۹۹) درخصوص چین و آمریکا مشابه است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که جریان‌های فکری جدید و عوامل مدرن‌ساز، عرصهٔ عمومی را بیش از حوزهٔ خصوصی تحت تأثیر قرار می‌دهند و در عرصهٔ خصوصی (خانگی) سنت‌های فرهنگی مقاوم‌تر هستند. این تفاوت همچنین مؤید این نکته روش‌شناسانه است که در سنجش برابری‌گرایی در نقش‌های جنسیتی لازم است دو بعد نقش‌های خانگی و نقش‌های اجتماعی متمایز شوند زیرا گرایش افراد در این دو بعد متفاوت است.

بررسی رابطهٔ متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی بر برابری‌گرایی جنسیتی نشان داد که رابطهٔ متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، و محل سکونت در جهت مورد انتظار بود، یعنی به میزانی که این متغیرها افراد را در معرض موقعیت‌ها و افکار جدید قرار می‌دهند برابری‌گرایی جنسیتی را در آن‌ها تقویت می‌کنند. بر این اساس افراد پایگاه بالاتر و ساکن در



شهرهای توسعه‌یافته‌تر به برابری جنسیتی گرایش بیشتری دارند. با وجود این، رابطه‌ی جنس با برابری‌گرایی جنسیتی با تضاد منافع دو جنس بیشتر قابل تبیین است. یعنی با آن‌که زنان معمولاً سنتی‌تر از مردان هستند و باید نسبت به برابری‌گرایی جنسیتی، همانند بسیاری از نگرش‌های جدید، تمایل کمتری داشته باشند اما رابطه‌ی وثیق و عینی برابری‌گرایی جنسیتی با حقوق و منافع آنان باعث می‌شود تا برابری‌گراتر از مردان باشند. از این امر می‌توان نتیجه گرفت که جریان‌های فکری هنگامی که با منافع ملموس افراد پیوند برقرار می‌کنند بیشتر آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

مقایسه‌ی تفاوت زنان و مردان متعلق به پایگاه بالا و پایین و ساکن در شهرهای توسعه‌یافته‌تر و کمتر توسعه‌یافته نشان داد، با آن‌که پایگاه و توسعه‌یافتگی با برابری‌گرایی رابطه‌ی مثبت دارند، تفاوت زنان و مردان در پایگاه‌های مختلف و سطوح مختلف توسعه تقریباً یکسان است. پیشتر عبداللهی (۱۳۸۳) نشان داده بود که تفاوت جنسیتی در نگرش‌های جنسیتی نسل جدید بیشتر از نسل قدیم است. بر این اساس انتظار ما این بود که تفاوت زنان و مردان در پایگاه‌های بالا و شهرهای توسعه‌یافته‌تر هم بیشتر از پایگاه پایین و شهرهای کمتر توسعه‌یافته باشند. یا به عبارت دیگر در گروه اول که بیشتر تحت تأثیر فرایندهای جامعه‌پذیری سنتی هستند تجانس زنان و مردان در نگرش‌های جنسیتی بیشتر باشد. این انتظار با یافته‌های این تحقیق تأیید نشد یعنی در هر دو موقعیت تفاوت زنان و مردان یکسان بود. دلیل این امر شاید این باشد که عناصر ساختی و فکری مدرن‌ساز، زنان و مردان را به یک میزان تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته ممکن است این نتیجه‌گیری در مورد جمعیت این پژوهش یعنی دانشجویان که موقعیت ویژه آن‌ها، یعنی حضور در دانشگاه، هر دو جنس را به یک میزان در معرض جریان‌های فکری مدرن قرار می‌دهد اعتبار داشته باشد و به سایر جمعیت‌ها قابل تعمیم نباشد.

رابطه‌ی متغیرهای نگرشی مورد بررسی یعنی دینداری، مدارای فکری، و گرایش سیاسی با برابری‌گرایی جنسیتی هم در جهت مورد انتظار بود. مدارای فکری و گرایش سیاسی اصلاح‌طلب که با دیدگاه‌های مدرن همسویی دارند با برابری‌گرایی جنسیتی رابطه‌ی مثبت و دینداری و گرایش سیاسی اصول‌گرا که با دیدگاه‌های سنتی سنخیت بیشتری دارند با آن رابطه‌ی منفی داشتند. در بین متغیرهای نگرشی دینداری قوی‌ترین رابطه را با برابری‌گرایی جنسیتی داشت. این یافته بر نقش کلیدی دین در جامعه ایران و تأثیر آن بر شکل‌گیری گرایش‌های افراد دلالت دارد. شاید این واقعیت که در بین معرف‌های مربوط به حقوق اجتماعی زنان، حق قضاوت کمترین میزان موافقان را داشت شاهدهی بر این مدعا باشد. زیرا ممنوعیت قضاوت زنان در تفسیرهای سنتی دینی که تفسیرهای غالب در جامعه هم هست، در مقایسه با سایر فعالیت‌های اجتماعی، مثل

اشتغال بیرون از خانه، ورزش، و سیاست، با صراحت و اجماع بیشتری ابراز شده است. عدم پرداختن به سایر فعالیت‌ها توسط زنان بیشتر ریشه در عرف دینی و اجتماعی دارند تا احکام صریح شرعی. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل نفوذ دین در جامعه ایران جریان‌های فکری طرفدار حقوق زنان چنان‌چه با آموزه‌های مذهبی ناسازگار یا متعارض باشند یا در قالب اندیشه‌های غیردینی یا ضددینی مطرح شوند کمتر می‌توانند از مقبولیت اجتماعی قابل توجهی برخوردار شوند.

### منابع

- احمدی، لیلا سادات (۱۳۸۴) «زنان و قضاوت»، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۲۸: ۱۵۵-۱۷۴.
- ایمان، محمدتقی و داریوش بوستانی (۱۳۸۲) «بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردان و زنان بالای ۲۰ سال شهر شیراز»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷.
- اینگلهارت رونالد (۱۳۷۳) «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» ترجمه: مریم و تر، تهران: انتشارات کویر.
- بیابانی آریتا (۱۳۸۱) بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان با نوگرایی دینی با تأکید بر دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان‌های دولتی مناطق ۳، ۸، ۱۹ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- بیکر، ترزال (۱۳۷۷) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: انتشارات روش.
- داریاپور زهرا (۱۳۸۱) «بررسی رابطه اولویت‌های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳.
- دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۰) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۲) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سراج‌زاده سید حسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۲) نگرش‌ها، آگاهی‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴) چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن، تهران: طرح نو.
- ظهوروند، راضیه (۱۳۸۳) «رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس»، مجله پژوهش زنان، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۱۲۶: ۱۱۷-۲.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳) «نسل‌ها و نگرش‌های جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی»، پژوهش زنان، دوره ۲ شماره ۳: ۵۷-۸۴.
- عظیمی، مژگان (۱۳۷۸) «تحلیل ثانویه ارزش‌های اجتماعی و اولویت ارزشی»، نامه پژوهش، سال چهارم شماره ۱۴ و ۱۵.
- علوی قزوینی، سید علوی (۱۳۸۴) «نقد و تحلیل ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی ایران در مورد وضعیت نامتعادل زوجین در برخورداری از حق فسخ نکاح»، پژوهش زنان، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات

- زنان دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱.
- ۴ قاضیان حسینعلی (۱۳۸۰) «بررسی جامعه‌شناختی انتخابات در ایران برحسب شکاف مدرن سنتی نمونه انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶»، پایان‌نامه دکترا جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، دوره ۲ شماره ۳: ۱۰۳-۱۲۴.
- گزارش طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی زنان کشور (۱۳۸۲) «نگران آینده»، فرهنگ و پژوهش، ۱۲۷: ۳۵.
- گودرزی، محسن و همکاران، (بی‌تا) جنسیت و نگرش اجتماعی، تهران: دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۷) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمودی مهری (۱۳۸۰) «رابطه قشربندی اجتماعی و گرایش‌ها و رفتارهای دینی»، نامه پژوهش، شماره ۲۰-۲۱.
- مرکز مشارکت امور زنان، (۱۳۸۳) الف، «زن، توسعه و اصلاحات»، ریحانه، شماره ۹: ۱۰۴-۱۴۵.
- مرکز مشارکت امور زنان، ۱۳۸۳ ب، «گزارش تحول وضعیت زنان طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۳»، ریحانه، شماره ۹: ۲۲۰-۲۵۱.
- موحد مجید و دلبری محمد (۱۳۸۳) «دینداری سنتی و نگرش نسبت به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره اول، شماره ۳: ۱۴۳-۱۱۷.

- Armer Michael J. and Katsillis John (1992) "Modernization Theory" in Borgatta Edgar F. and Borgatta Marie, *Encyclopedia of Sociology*, Vol. 3, USA: Mc Millan.
- Beere, C.A., King, D. W., Beere, D. B., & King, L. A. (1984) "The Sex-Role Egalitarianism Scale: A Measure of Attitudes toward Equality between the Sexes", *Sex Roles*, 10: 563-576.
- Beutel, Ann M. and Monica Ki Rkpatrick Johnson (2004) "Gender And Prosocial Values During Adolescence: A Research Note", *The Sociological Quarterly*, Vol. 45, No. 2: 379-393.
- Borgatta Edgar F. & Montgomery Rhonda J.V (2000) *Encyclopedia of Sociology*; USA: McMillan.
- Breakwell, Glynis M. (1990) "Social Beliefs about Gender Differences", in Colin Fraser and Gorge Gaskell, *The Social Psychological Study of Widespread Beliefs*, Oxford: Clarendon Press.
- Chang, Lei (1999) "Gender Role Egalitarian Attitudes In Beijing, Hong Kong, Florida, and Michigan", *Journal Of Cross-Cultural Psychology*, Vol. 30 No. 6: 722-741.
- Connolly william E. (1984) *Political Theory and Modernity*, Oxford: Blackwell.

- Deitelbaum, Robert M. KunovichCatherinc, (2004) "Ethnic Conflict, Group Polarization, and Gender Attitudes in Croatia", *Journal of Marriage and Family* Volume 66 Issue 5 Page 1089.
- Farmer, Yvette (1992) "Role Model" in Edgar F. Borgatta and Marie L. Borgatta (eds.), *Encyclopedia of Sociology*, New York: Mac Millan.
- Giddens, Anthony (1997) *Sociology*, Cambridge: Polity Press.
- Harc-Mustin & Marecek (1988)..... qouted from Sears et al., 1991.
- Hayes, Bernadette C. and Vicki N. Tariq (2000) "Gender Differences in Scientific Knowledge And Attitudes toward Science: a Comparative Study of four Anglo-American Nations", *Public Understand. Science*, 9: 433-447.
- Horton, Paul B. and Chester L. Hunt (1987) *Sociology*, Singapore: McGraw-Hill.
- Jackson and Scott, eds. (2002) *Gender: A Sociological Reader*, London: Routledge.
- Jackson, Stevi et al. (1993) *Women's Studies: A Reader*. Hertfordshire: Harvester Wheatsheaf.
- Kalin, R., & Tilby, P. J. (1978) "Development and Validation of a Sex-role Ideology Scale", *Psychological Reports*, 42: 731-738.
- Maccoby, Eleanor Emmons and Carol Nagy Jacklin (1974) *The Psychology of Sex Differences*, Stanford: Stanford University Press.
- Mooney, Linda A., David Knox and Caroline Schacht (2002) *Understanding Social Problems*, USA: Wadsworth Group.
- Prince, jane (1993) "Women Education and Work" in Jackson, Stevi et al., (eds), *Women's Studies: A Reader*, London: Harvester Wheatsheaf.
- Sears, David O., Letitia Anne Peplau and Shelley F. Taylor (1991) *Social Psychology*, US: Prentice-Hall International.
- Shafiro, Margarita V., Melissa J. Himelein, Deborah L. Best (2003) "Ukrainian And U.S. American Females: Differences in Individualism/Collectivism and Gender Attitudes", *Journal Of Cross-Cultural Psychology*, Vol. 34 No. 3: 297-303.
- Smelser Neil J., (1988) *The Sociology of Economic Life*, Prentice Hall of India, New Delhi.
- Spence, J. T., & Helmreich, R. (1978) *Masculinity and Femininity: Their Psychological Dimensions, Correlates and Antecedents*. Austin: University of Texas Press.
- Spence, J. T., & Helmreich, R. I. (1972) "The Attitudes Toward Women Scale: An Objective Instrument to Measure the Attitudes Toward the Rights and Roles of Women in Contemporary Society", *JSAS: Catalog of Selected Documents in Psychology*, 2, 153: 66-67.

- Spence, J. T., Helmreich, R. L., & Sawin, L. L. (1980). "The Male-Female Relations Questionnaire: A Self-report Inventory of Sex-role Behaviors and Preferences and its Relationship to Masculine and Feminine Personality Traits, Sex-role Attitudes, and other Measures". *JSAS Selected Documents in Psychology*, 10: 1-3.
- Staley, Liz and Sue Wise (2002) "What's Wrong with Socialisation?" in Stevi Jackson and Sue Scott, *Gener: A Sociological Reader*, London: Rotledge.

### پیوست

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی متغیرهای مستقل زمینه‌ای و گرایش (تعداد = ۱۵۲۲)

تعداد معتبر	درصد	طبقات	متغیرهای مستقل
۱۴۵۰	۴۲/۶	زن	جنس
	۵۷/۴	مرد	
۱۳۹۹	۶۴/۰	فارس	قومیت
	۱۶/۰	ترک	
	۲۰/۰	سایر	
۱۲۷۵	۲۰/۰	تهران	محل سکونت
	۳۶/۵	مراکز استان‌ها و شهرهای مرکزی	
	۴۲/۵	سایر شهرستان‌ها	
۱۱۲۹	۳۴/۰	پایین	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
	۵۲/۵	متوسط	
	۱۲/۵	بالا	
۱۲۸۰	۲/۰	ضعیف	دین داری
	۲۰/۰	متوسط	
	۷۸/۰	قوی	
۱۲۷۰	۲۸/۲	کم	مدارای فکری
	۳۲/۵	متوسط	
	۳۹/۳	ضعیف	
۱۱۲۲	۹/۶	محافظه‌کار	گرایش سیاسی
	۳۶/۸	اصلاح طلب	
	۵۲/۶	هیچ‌کدام	

جدول شماره ۲. همبستگی بردباری فکری و محل سکونت با برخی متغیرهای مستقل  
(تعداد = ۱۵۲۲)

گرایش سیاسی	پایگاه اقتصادی اجتماعی	دین‌داری	
۰/۱۹	۰/۲۰ ***	-۰/۴۹ ***	بردباری فکری
۰/۰۰۵	۰/۳۸ ***	-۰/۱۲ ***	شهر محل سکونت

سید حسن سراج‌زاده عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران است. حوزه آموزش و پژوهشی ایشان، جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی دین و روش تحقیق است. email: Serajsh@yahoo.com

فاطمه جواهری عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران است. حوزه آموزش و پژوهشی ایشان جامعه‌شناسی پزشکی و جامعه‌شناسی ارتباطات است. email: Javaherm@yahoo.com